



گروه آموزشی مشاوره‌ای نوتروفیل



درس عربی دهم

نوتروبیست





نوترفیل خونه رتبه برترها



قبولی های کنکور ۱۴۰۴

تک رقی نوترفیل

رتبه ۸



ایمان نیک نام جهرمی

دور رقی های نوترفیل

رتبه ۳۲



امیرمحمد رضائی

رتبه ۲۰



سینا راضی

رتبه ۱۶



آریا قهرمانی

رتبه ۱۴



امیرمحمد کیانی

رتبه ۸۰



محمد مهدی شریفی

رتبه ۷۵



محمد صالح عارفی

رتبه ۶۱



بهار هلالی

رتبه ۵۹



ایمان انفرادی

رتبه ۵۵



مهسا سیاوشی

رتبه ۲۲۲



امیرمحمد شکوهی

رتبه ۱۶۹



هانیه خواجه

رتبه ۱۶۰



اشکان کوثری

رتبه ۱۴۷



محدثه حیدری

سه رقی و چهار رقی های نوترفیل

رتبه ۴۳۲



سید محمدصادق حسینی

رتبه ۳۴۱



حمیدرضا بشیری

رتبه ۳۰۸



سید علی اکرمی

رتبه ۲۷۱



فاطمه سادات موسوی

رتبه ۲۵۹



ابوالفضل ناصران

رتبه ۵۳۹



نجمه کیخا

رتبه ۵۳۷



ریحانه حیدری

رتبه ۵۲۲



فاطمه شاهسوند

رتبه ۵۱۴



محمدپارسا عبدالله آبادی

رتبه ۴۷۳



زهرا بابائی

رتبه ۶۶۱



فاطمه اصغری

رتبه ۶۰۶



سجاد محمودی زاده

رتبه ۵۷۰



زهرا ولی نژاد

رتبه ۵۵۷



محمد صالح زارعی

رتبه ۵۴۶



حسین تفضلی نژاد

رتبه ۷۸۱



احسان قنبری

رتبه ۷۱۴



محمد یزدیان

رتبه ۶۹۱



بهار ضرغامی

رتبه ۶۷۲



محمدماهان عنبرستانی

رتبه ۶۶۷



سیاوش مصطفایی

رتبه ۹۰۹



کیمیا فدائی

رتبه ۸۹۳



فاطمه مشاوری نجف آبادی

رتبه ۸۰۴



آرمین رضایی

رتبه ۸۰۳



مانده رنجبر

رتبه ۷۸۶



نیما غفاری

رتبه ۱۱۲۷



زهرا بابائی

رتبه ۱۱۲۲



علی طاهر زاده

رتبه ۱۰۵۸



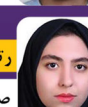
الینا جلالی فر

رتبه ۱۰۵۲



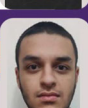
پویان فریور افشار

رتبه ۹۴۷



صفورا بقاءئی

رتبه ۱۳۵۰



علی زینلی

رتبه ۱۲۸۴



فاطمه معین زاده

رتبه ۱۲۸۴



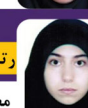
بهار امیری

رتبه ۱۲۳۶



مبینا ایزدی

رتبه ۱۲۳۴



مطهره توحیدی

رتبه ۱۵۰۳



فاطمه رحیم زاده

رتبه ۱۴۹۳



محمد مهدی خرم زاده

رتبه ۱۴۸۳



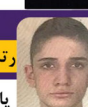
سینا خاوری خراسانی

رتبه ۱۴۲۴



سید امیرحسین حسینی

رتبه ۱۳۷۲



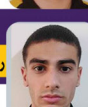
پارسا رضایی

رتبه ۱۶۹۶



ندا ملکشاهی

رتبه ۱۶۷۸



سجاد ینکی

رتبه ۱۶۳۹



ابوالفضل نیرومند

رتبه ۱۶۲۸



امیرمحمد فکور حقیقی

رتبه ۱۵۳۴



فاطمه عبیری

رتبه ۲۵۵۹



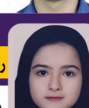
سارا حمزه

رتبه ۲۰۱۵



علی شیرزاد

رتبه ۱۹۶۶



مهسا رضایی مقدم

رتبه ۱۷۵۴



هللیا حاجیلوئی

رتبه ۱۷۳۱



محمد رضا محسنی

رتبه ۲۷۹۴



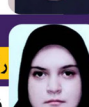
مریم بادلی

رتبه ۲۷۸۱



سعید شبانی

رتبه ۲۷۵۱



فهمیه سیدآبادی

رتبه ۲۷۱۱



محمد غلامی

رتبه ۲۶۲۵



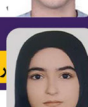
زهرة جمعی

رتبه ۳۳۴۳



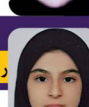
سینا ارزمانی

رتبه ۳۲۴۴



هللیا سجادی

رتبه ۳۱۳۳



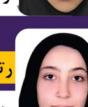
صبا شایع ثانی

رتبه ۲۸۸۱



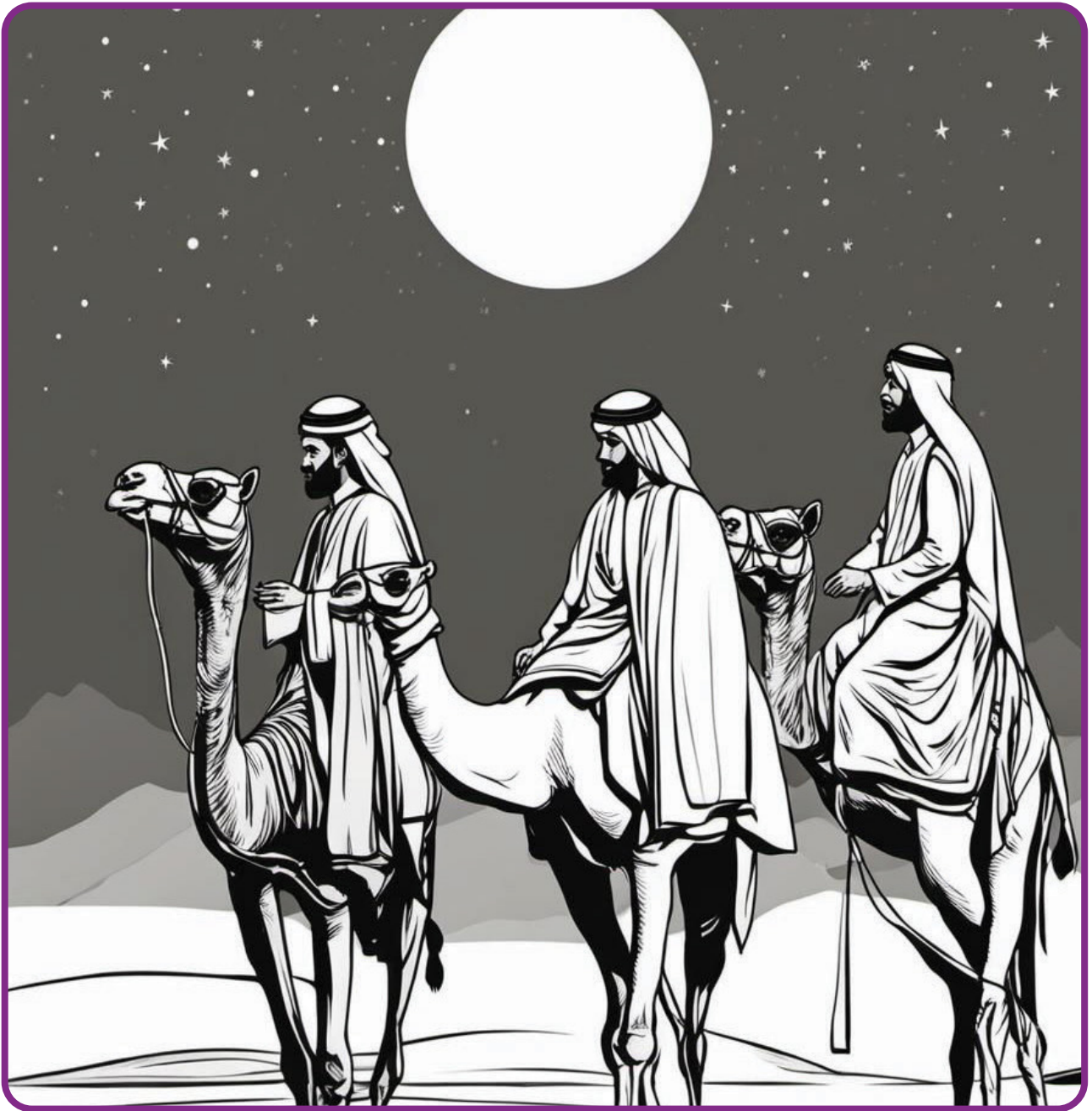
پارسا جمال امیدی

رتبه ۲۸۱۰



هدیه رحیمی

عربی



قواعد درس ۱ دهم

صیغه	ضمیر منفصل	ضمیر متصل	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	فعل نهی
مفرد مذکر غائب	هُوَ	...هَـ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	*	*
مثنای مذکر غایب	هُمَا	...هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	*	*
جمع مذکر غایب	هُم	...هَـم	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	*	*
مفرد مؤنث غائب	هِيَ	...هَـا	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	*	*
مثنای مؤنث غایب	هُمَا	...هُمَا	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	*	*
جمع مؤنث غایب	هُنَّ	...هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	*	*
مفرد مذکر مخاطب	أَنْتَ	...كَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لَا تَفْعَلْ
مثنای مذکر مخاطب	أَنْتَما	...كُما	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
جمع مذکر مخاطب	أَنْتُمْ	...كُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا
مفرد مؤنث مخاطب	أَنْتِ	...كِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لَا تَفْعَلِي
مثنای مؤنث مخاطب	أَنْتَما	...كُما	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
جمع مؤنث مخاطب	أَنْتُنَّ	...كُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ
اول شخص مفرد (متکلم وحده)	أنا	...ـي	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	*	*
اول شخص جمع (متکلم مع الغير)	نَحْنُ	...ـنا	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	*	*

روش ساخت فعل امر:

- حرف مضارعه (ت) حذف می‌شود.
- آخر فعل مجزوم همیشه یعنی اگر آخر فعل ضمه یا نون داشت حذف می‌شود.

نکته مگر این که نون ضمیر باشه مثل نون آخر جمع مؤنث مخاطب!

- اگر بعد از حذف (ت)، حرف اول فعل ساکن باشه، یک همزه به اول آن اضافه می‌کنیم و حرکت همزه، کسره است مگر اینکه حرکت عین الفعل مضارع ضمه باشه که در این صورت حرکت همزه هم ضمه خواهد بود.

مثال: تَكْتُبِينَ ← اکتبی تَذْهَبِينَ ← اذْهَبِي

روش ساخت فعل نهی:

- حرف (لا) قبل فعل میاد
 - آخر فعل مجزوم همیشه
- مثال:** تَذْهَبُونَ ← لا تَذْهَبُوا تَذْهَبِي ← لا تَذْهَبِي

قواعد درس ۲ دهم

اعداد:

ترتیبی		شمارشی	
۱۱ م الحادی عشر	۱ م الأول	۱۱- أحد عشر	۱- واحد
۱۲ م الثاني عشر	۲ م الثاني	۱۲- إثنا عشر	۲- اثنان
۱۳ م الثالث عشر	۳ م الثالث	۱۳- ثلاثة عشر	۳- ثلاثة
۱۴ م الرابع عشر	۴ م الرابع	۱۴- أربعة عشر	۴- أربعة
۱۵ م الخامس عشر	۵ م الخامس	۱۵- خمسة عشر	۵- خمسة
۱۶ م السادس عشر	۶ م السادس	۱۶- ستة عشر	۶- ستة
۱۷ م السابع عشر	۷ م السابع	۱۷- سبعة عشر	۷- سبعة
۱۸ م الثامن عشر	۸ م الثامن	۱۸- ثمانية عشر	۸- ثمانية
۱۹ م التاسع عشر	۹ م التاسع	۱۹- تسعة عشر	۹- تسعة
۲۰ م العشرون	۱۰ م العاشر	۲۰- عشرون	۱۰- عشرة

نکته اعداد شمارشی (ال) ندارند، اعداد ترتیبی (ال) دارند.

دهگان‌ها:

۵۰ خمسون	۴۰ أربعون	۳۰ ثلاثون	۲۰ عشرون	۱۰ عشرة
۱۰۰ مئة	۹۰ تسعون	۸۰ ثمانون	۷۰ سبعون	۶۰ ستون

نکته

- ۱- به واژه‌های که شمردن همیشه، محدود می‌گن ← خَمْسَه رِجَالٍ
- ۲- گاهی اعداد ثلاثه تا عشره بدون (ه) میاد عدد معدود
- ۳- مئه به صورت مائه هم نوشته میشه
- ۴- اعداد عشرون و ثلاثون و ... به شکل عشری، ثلاثی و ... هم نوشته می‌شوند.
- ۵- یکان قبل از دهگان میاد ← بیست و پنج = خَمْسَه و عشرون
- ۶- اعداد ترتیبی از ۲ تا ۱۰ بر وزن فاعل هستن.

اعمال ریاضی در عربی:

- + زائد ← خَمْسَةٌ و سَبْعُونَ زائد خَمْسَةٌ و عَشْرِينَ یساوی مِئَةٌ
- ناقص ← تِسْعُونَ ناقص عَشْرَةٌ یساوی ثَمَانُونَ
- ÷ تقسیم علی ← مِئَةٌ تقسیم علی خَمْسَةٌ یساوی عِشْرِينَ
- × فی، ضرب فی ← سِتَّةٌ فی أَحَدٍ عشر یساوی سِتَّةٌ و سِتِّينَ

خواندن ساعت در عربی:

عدد مورد استفاده در ساعت شمار، عدد ترتیبی و عدد مورد استفاده در دقیقه شمار، عددی شمارشی است.



مثال: یغفر الله الذنوب ← با فعل شروع شده پس فعلیه است.
 فعل فاعل مفعول

پیدا کردن فاعل ← (یغفر = می‌آمرزد) ← چه کسی می‌آمرزد؟ الله، پس فاعل، الله است.

نکته: برای پیدا کردن مفعول، از فعل می‌پرسیم «چه چیزی را؟!»، یا «چه کسی را?!»

خداوند چه چیزی را می‌آمرزد؟ گناهان را ← گناهان = مفعول

جمله اسمیه:

جمله‌ای که با نهاد (فاعل) شروع میشه، جمله اسمیه است و چنین ساختاری داره: مبتدا + خبر

مثال: الله یغفر الذنوب ← چون جمله با اسم شروع شده پس جمله اسمیه است و مبتدای آن در واقع همان اسم اول جمله است.

توجه: برای پیدا کردن خبر از (مبتدا) می‌پرسیم «چیه؟» یا «چیکار کرد؟» یا «چی شد؟»

در این مثال که الله مبتداست، از مبتدا می‌پرسیم چیکار کرد ← یغفر = می‌بخشد

به مثال‌های زیر دقت کن؟

یضرب الله الأمثال للناس ← معنی = خدا برای مردم مثالهایی می‌زند ← جمله با فعل شروع شده پس جمله فعلیه است ← یضرب = فعل

حالا می‌پرسیم چه کسی (یضرب = می‌زند)؟ الله ← الله = فاعل

حالا خدا چه چیزی را می‌زند؟ الأمثال ← الأمثال = مفعول

إضاعة الفرصة غصة ← معنی = از دست دادن فرصت، اندوه است.

جمله با اسم (إضاعة) شروع میشه پس جمله اسمیه است و إضاعة = مبتدا

حالا از مبتدا می‌پرسیم «چیه؟» ← (إضاعة = از دست دادن) چیه؟ غصه است ← غصه = خبر

توجه توجه: حواستون باشه که توی این جمله «الفرصة» را به اشتباه، خبر در نظر نگیرید.

حالا چرا «الفرصة» خبر نیست؟ باید یکبار دیگه ترجمه رو بخونی، از دست دادن فرصت، غصه است.

در واقع وقتی (از دست دادن) چیه؟ جواب، اندوه است.

پس «فرصة» اینجا چیکاره است؟ الان می‌گم

صفت و مضاف الیه:

صفت: اگر بعد از یک اسم، اسمی بیاد که اونو توصیف کنه ← اسم اول = موصوف و اسم دوم = صفت

مثال: الايات الكثيرة و تلميذ نشيط ← نشانه‌های زیاد و دانش‌آموزی کوشا

نکته: صفت در ۴ مورد همیشه از موصوف تبعیت می‌کنه:

۱- معرفه یا نکره بودن ۲- مذکر یا مؤنث بودن ۳- مفرد یا جمع بودن ۴- اعراب

مضاف الیه: به ترکیب میان دو اسم گفته میشه که:

۱ بین اونا فاصله نباشه.

۲ اولی (مضاف) تنوین و (ال) معرفه نداشته باشه.

۳ هر دو معنای مستقل داشته و در جمله مکمل یکدیگر باشن.

اینجوری یاد بگیر = مضاف «ال» می‌پرونه، مضاف تنوین پرونه

مثال: إضاعة الفرصة = از دست دادن فرصت ← إضاعة = مضاف / الفرصة = مضاف الیه

قواعد درس ۶ سال دهم

□ افعال مجهول

فعل معلوم فعلیه که فاعل اون مشخص باشه مثلاً: علی آمد یا علی کتاب را خواند.
در مقابل فعل مجهول فعلیه که فاعل اون مشخص نیست مثلاً: کتاب خوانده شد یا خطی کشیده شد.

توجه: فقط فعل‌های متعدی می‌تونن مجهول بشن یعنی فعل باید گذرا به مفعول باشه.
برای ساختن جمله مجهول، فاعل حذف میشه و مفعول به جای فاعل میاد که به آن (نایب فاعل) میگن و فعل هم مجهول میشه.

نحوه مجهول کردن فعل ماضی: فعل را با تغییر حرکت به فعل مجهول تبدیل می‌کنیم، حرف اول ضمه و عین الفعل کسره میگیره یعنی (فَعَلَ، فَعِلٌ، فُعِلَ) تبدیل به فُعِلَ میشه.

نحوه مجهول کردن فعل مضارع: حرکت حرف نشانه مضارع به ضمه و عین الفعل به ء تبدیل می‌شود. مثلاً: یَفْعَلُ ← یُفْعَلُ

مثال: و إذا قرئ القرآن ← و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود.
یُعْرَفُ المجرمون ← خطاکاران شناخته می‌شوند.

قواعد درس ۷ عربی دهم

□ جارومجرور:

در زبان فارسی به حروفی مثل (به، در، از، برای) حروف اضافه و در زبان عربی به این حروف، حرف جر میگن.
به حرف جر، جار و به اسم بعد آن‌ها مجرور و به هر دو اینا جارومجرور میگن.

مهمترین حروف جر:

(من = از) ← مثال: أساورٌ من فضة = دستبندهایی از جنس نقره
(فی = در) ← مثال: النجاة فی الصدق = رهایی در راستگویی است
(إلی = به، به سوی، تا) ← مثال: فی الصباح إلى اللیل = از صبح تا شب
(علی = بر، روی، به زیان) ← مثال: الدهر یومان، یومٌ لک و یومٌ علیک = روزگار دو روز است روزی به سود تو روزی به زیانت
(ب = به وسیله، در) ← مثال: ولقد نصرکم الله ببدر = و خدا شما را در جنگ بدر یاری کرد
(ل = برای، مال، داشتن) ← مثال: لکم دینکم و لی دین = دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم
(عن = از، درباره) ← مثال: یغفر عن السینات = از بدی‌ها درمی‌گذرد
(ک = مانند) ← مثال: فضل العالم علی غیره کفضل النبی علی أمته = برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

نون وقایه:

- ۱ نون وقایه همیشه بین یک فعل متعدی و ضمیر متصل «ی» میاد. ← مثال: و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین
- ۲ میان حروف جر «من» و «عن» و ضمیر «ی» نون وقایه به کار برده میشه. ← مثال: أنت منی بمنزله هارون من موسی
- ۳ میان حروف مشابه فعل و ضمیر «ی» نون وقایه کاربرد داره. ← مثال: یا لیتنی کنتُ تراباً
- ۴ در زبان عربی، در صیغه امر ونهی مفرد مؤنث مخاطب، ممکنه ساختاری شبیه به نون وقایه به وجود بیاد. ← مثال: (لاتحزنی یا صدیقتی العزیزة علی هذه المشلکه) در اینجا نون وقایه وجود نداره.
- ۵ در زبان عربی، افعال و اسم‌هایی وجود داره که پایان اونا شبیه نون وقایه هستش. ← مثال: (أتمنی أن أذهب هُناک مع صدیقی = تمنی می‌خواهم با دوستم به آنجا بروم)
در اینجا نون وقایه وجود نداره.

قواعد درس ۸ عربی دهم

(اسم فاعل) اسم فاعل به معنای «انجام دهنده» یا «دارنده حالت» است.

اسم فاعل بر دو وزن ساخته همیشه:

فاعل ← برای فعل‌هایی که سوم شخص مفرد ماضی آن‌ها ۳ حرفه به کار میره

مُفَاعِل ← برای فعل‌هایی که سوم شخص مفرد ماضی آن‌ها بیشتر از ۳ حرفه به کار میره. (مُ... - ...)

مثال: مُرْسِل = فرستنده صَانِع = سازنده مُشَاهِد = بیننده

✓ (اسم مفعول) اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم مفعول بر دو وزن ساخته همیشه:

مَفْعُول ← برای فعل‌هایی که سوم شخص مفرد ماضی آن‌ها ۳ حرفه به کار میره.

مُفَاعِل ← برای فعل‌هایی که سوم شخص مفرد ماضی آن‌ها بیشتر از ۳ حرفه به کار میره (مُ... - ...)

مثال: مُرْسَل = فرستاده شده مَصْنُوع = ساخته شده مُشَاهَد = دیده شده

(اسم مبالغه) چند کاربرد دارد: ۱- بسیاری صفت ۲- شغل ۳- ابزار ۴- بسیار انجام دادن یک کار

اسم مبالغه بر ۲ وزن ساخته همیشه: فعال - فعّال

مثال: رَزَاق = بسیار روزی دهنده غَفَّار = بسیار آمرزنده عَلَّامَة = بسیار دانا

نَظَّارَه = عینک خَبَّاز = نانوا

لغات درس ۱

بگو	قُلْ	دارای	ذات	ستارگان «مفرد: نجم»	أَنْجُمٌ
فروزان	مُسْتَعْرَة	آن	ذاک	نازل کرد	أَنْزَلَ
ریزان	مُنْهَمِرَة	دارای	ذو	نعمت‌ها «مفرد: نعمة»	أَنْعُمٌ
تر و تازه	نَضِرَة	زینت داد	زان	پدید آورد	أَوْجَدَ
رشد کرد «مؤنث نما»	نَمَتْ	اخگر (پاره آتش)	سُرْرَة	کامل	بَالِغٌ
درمی آورد	يُخْرِجُ	روشنایی	ضیاء	پاره آتش	جَذْوَه
		شاخه‌ها «مفرد: عُصْن»	عُصُون	مرواریدها «مفرد: دُر»	دُررٌ
		ابر	غَيْمٌ	این = هذا من ذا: «این کیست؟»	ذَا

لغات درس ۲

آفریدگان به هم مهربانی می‌کنند	يَتَرَاحِمُ الخَلْقُ	کاشت	عَرَسَ	جاری کرد	أَجْرَى
جاری است، جاری می‌شود	يَجْرَى	بخورید	كَلُوا	مُخْلِصٌ شد، یکرنگ شد	أَخْلَصَ
آمرزش می‌خواهد	يَسْتَغْفِرُ	پراکنده نشوید	لَا تَفْرَقُوا	به دست گرفته و نگه داشت	أَمْسَكَ
بس است	يَكْفَى	صد	مِئَة	ساخت	بَنَى
برای دو نفر بس است	يَكْفَى الإِثْنَيْنِ	به ارث گذاشت	وَوَّرَثَ	یاد داد	عَلَّمَ
جوی‌های پر آب، چشم‌ها «مفرد: يَنْبوع»	يَنْبَاعٍ				

لغات درس ۳

حیران کرد	حَيَّرَ	برانگیخت	أَنَارَ
کشید	سَخَبَ	جشن گرفت	إِحْتَفَلَ
نامید	سَمَى	شد	أَصْبَحَ
سیاه (مؤنثِ أسود)	سَوَدَاءَ	گردباد	إِعْصَارَ
سالانه	سَنَوِي	آمریکای مرکزی	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى
باور کرد	صَدَّقَ	باران بارید	أَمْطَرَ
تا باور کنی	حَتَّى تُصَدِّقَ	گستراند	بَسَطَ
پدیده «جمع: ظواهر»	ظَاهِرَةٌ	دور شد	بَعُدَ
فیلم «جمع: أفلام»	فِلم	می‌بینی، ببینی	تَرَى
اقیانوس اطلس	الْمَحِيطُ الْأَطْلَسِي	پی در پی افتاد	تَساقَطَ
پوشیده، فرش شده	مَفْرُوش	شناختن	التَّعَرَّفَ عَلَي
جشنواره	مِهْرَجَان	برف، یخ «جمع: ثلوج»	ثَلْج
پایین آمدن، بارش	نُزُول	بسیار خوب	حَسَنًا

لغات درس ۴

یکسان	سَوَاء	گرم و صمیمی	حَمِيم	پرهیزگاران‌ترین	أَتْقَى
در گذر زمان	عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ	اختلاف	خِلَاف	نگاه داشتن	إِحْتِفَاف
مزدور «جمع: عُمَلَاء»	عَمِيل	یک پنجم	خُمْس	بدی کردن	إِسَاءة
نزد: «لَدَيْهِمْ: دارند»	لَدَى	فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرامی‌خوانند»	دَعَا	شریک قرار داد	أَشْرَكَ
باهمدیگر	مَعَ بَعْضِ	مرد، نر	ذَكَرَ	چنگ زد (با دست گرفت)	إِعْتَصَمَ
به جای خدا، به غیر خدا	مِن دُونِ اللَّهِ	شاد	فَرِحَ	گرامی‌ترین	أَكْرَمَ
جلوه‌گر می‌شود	يَتَجَلَّى	پراکنده اسخت	فَرَّقَ	زن، ماده	أُنْثَى
جایز است	يُجَوِّزُ	رهبر: «جمع: قَادَة»	قَائِد	یکدیگر را شناختن «لِتُعَارَفُوا: تآیکدیگر را بشناسید.»	تُعَارَفَ
برابر می‌شود	يَسْتَوِي	استوار، ایستاده	قَائِم	همزیستی داشت	تُعَايَشَ
تأکید می‌کند	يُؤَكِّدُ	دشنام داد	سَبَّ	طناب «جمع: جبال»	حَبَلَ
		مُسالمت‌آمیز «سيلم: صلح»	سَلِمَى	آزادی	حُرِيَّة

لغات درس ۵

مابع	سائل	باکتری	بکتیریا	دور شد «حتی تَبْتَعَدَ: تا دور شود»	إِبْتَعَدَ
نور «جمع: أضواء»	ضوء	جغد	بوم، بومَة	جهت	إِتْجَاه
تاریکی	ظلام	تحت تأثیر قرار گرفت	تَأَثَّرَ	چرخانده، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»	أَدَارَ
جبران کرد	عَوَّضَ	در بر دارد	تَحْتَوَى	که ببیند	أَنْ تَرَى
گره	قَطَا	حرکت کرد	تَحَرَّكَ	بهره برد «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»	إِسْتَفَادَ
لیسید	لَعِقَ	پخش می‌کند	تَنْشُرُ	افزون بر	أَضَافَةُ إِلَى
نورانی	مُضِيءٌ	زخم	جُرْح	گیاهان دارویی «مفرد: عُشْبٌ طِبِّيٌّ»	أَعْشَابٌ طِبِّيَّةٌ
پاک کننده	مُطَهِّرٌ	حرکت داد	حَرَّكَ	ترشح کرد	أَفْرَزَ
پیشگیری	وَقَايَةٌ	تبدیل کرد	حَوَّلَ	بهبود یافت «حتی يَلْتَمِمُ: تا بهبود یابد»	إِلْتَامٌ
مالک شد، فرمانروایی کرد	مَلَكَ	آفتاب‌پرست	جِرْبَاءٌ	عکس گرفتن	إِلْتِقَاطُ صُورٍ
می تواند = يَقْدِرُ	يَسْتَطِيعُ	راهنمایی کرد	دَلَّ	مالکیت، داشتن	إِمْتِلَاكٌ
از ... یاری می‌جوید	يَسْتَعِينُ بِـ	بی‌آنکه «دُونَ أَنْ تُحَرَّكَ»: بی‌آنکه حرکت بدهد»	دُونَ أَنْ	نورانی کردن	إِنَارَةٌ
فرستاده می‌شود	يُنَبِّئُ	دُم «جمع أذنان» روغن «جمع: زُبُوت»	ذَنْبٌ زَيْتٌ	خشکی، زمینی «نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی» اردک	بَرِيٌّ بَطٌّ، بَطَّةٌ

لغات درس ۶

خوشامد می‌گفتند	كَانَ ... يَرْحُبُونَ	خواند «أَتَلُوا: می‌خوانم»	تَلَا	به پیشواز رفت (مصدر: اِسْتِقْبَالٌ)	اِسْتَقْبَلَ
زشت و ناپسند	كْرِهَةٌ	ارتش «جمع: جُيُوشٌ»	جَيْشٌ	استقرار یافت	اِسْتَقَرَّ
جنگیدن	مُحَارَبَةٌ	آهن	حَدِيدٌ	شعله‌ور کرد	أَشْعَلَ
مرداب	مُسْتَنْقَعٌ	ویران کرد	حَرَّبَ	اصلاح کرد	أَصْلَحَ
تنگه	مَضِيقٌ	ذوب شد	ذَابَ	پیروی کرد	أَطَاعَ
مس	نُحَاسٌ	نپذیرفت	رَفِضَ	غنیمت شمرد	إِغْتَنَّمَ
سمت	نَحْوٌ	حرکت کرد، به راه افتاد	سَارَ	بستن	إِغْلَاقٌ
به تاراج بُرد	نَهَبَ	زندگی کرد	سَكَنَ	ساختن، ساختمان	بِنَاءٌ
رسیدن	وُصُولٌ	حکومت می‌کرد	كَانَ ... يَحْكُمُ	رهایی یافت	تَخَلَّصٌ

لغات درس ۷

برابر «ضِعْفَيْن: دو برابر»	ضِعْف	جمع شد	تَجَمَّعَ	ایفا کرد، منجر شد	أَدَّى
پرنندگان «مفرد: طیر»	طُيُور	جریان	تَبَّار	راهنمایی کرد	أَرشَدَ
معرفی کرد	عَرَّفَ	گروهی	جَمَاعِي	شیر داد	أَرْضَعُ
تصمیم گرفت	عَزَمَ	تیز	حَادٍ	بالا، بالاتر	أَعْلَى
آواز خواند	عَنَى	دلفین‌ها	ذَلَّافِين	انفاق کرد	أَنْفَقَ
پرید، جهش کرد	قَفَزَ	نقش	دَوْر	بینی‌ها «مفرد: أنف»	أَنُوفَ
پستاندار	لُبُونَةُ	حافظه	ذَاكِرَةٌ	رسانید	أَوْصَلَ
همین طور	كَذَلِكَ	جالب	رَائِع	دریاها «مفرد: بحر»	بِحَارٍ
نجات دهنده	مُنْقِذٌ	کوسه ماهی	سَمَكُ الْقِرَشِ	گریه کرد	بَكَى
دانشنامه	مَوْسُوعَةٌ	ساحل	شَاطِئِي	رسید	بَلَغَ
		«جمع: شواطئ» سوت زد	صَفَرَ	آری	بَلَى

لغات درس ۸

آزموده	مُجَرَّبٌ	پیرس (اسأل)	سَل	آینده، در حال آمدن	أَتَى، آتٍ
ستایش‌ها	مُحَامِدٌ	خواست	سَاءَ	کمک خواست	اسْتَعَاثَ
تلخ کرد	مَرَّرَ	شکایت کردم «إنْ شَكَّوْتُ: اگر شکایت کنم»	شَكَّوْتُ	نو (برای نخستین بار)	بَدِيعٌ
آب انبارهای بیابان	مَصَانِعٌ	بویید «شَمَمْتُ: بوییدی»	شَمَمٌ	دوری	بُعْدٌ
با نمک	مَلِيحٌ	خمیر	عَجِينٌ	آزمایش کرد	جَرَّبَ
درآمیخته	مَمزُوجٌ	دشمنان «مفرد: عادی»	عُدَاةٌ	فرود آمد	حَلَّ
شیون کردند = ناخ	نُحِنٌ	آغاز شب	عَشِيَّةٌ	چشید	ذَاقَ
عشق	وُدٌّ	آغاز روز	عُدَاةٌ	نزدیک شد	دَنَا
وصف کرد	وَصَفَ	بیابان‌ها «مفرد: فلاة»	فَلَوَاتٌ	امید داشت	رَجَا
لانه‌ها «مفرد: وُكَّةٌ»	وُكُنَاتٌ	گاهی جست‌وجود می‌شود	قَد تَفَقَّشَ	راضی شد	رَضِيَ
تشنه و سرگردان شد	هَامٌ	نزدیکی	قُرْبٌ	استخوان پوسیده	زَفَاتٌ
جدایی‌گزید، جداشد	هَجَرَ	جام، لیوان	كَأْسٌ	کاروان شتر یا اسب‌سواران	زَكَبٌ

لغات حاشیه کتاب عربی دهم

تعارف = آشنایی	قاعة = سالن	أن أسافرُ = که سفر کنم	صَع = بگذار
فَرَاغ = جای خالی	مُسْتَعِيناً ب... = با استفاده از	لا تَقْرَؤا = پراکنده نشوید	عَيِّن = مشخص کن
سائح = گردشگر	ما أَجْمَلُ = چه زیباست	شَعْب = ملت / مضياف = مهمان دوست	
لَبِثْتُ = اقامت کرد	جاءَ بِـ = آورد	حِلْم = بردباری	سَمَاع = شنیدن
نَمْلَةٌ = مورچه	يَفُوق = بالاتر است از	أقمار = جمع قمر	الكَسَل = تنبلی
جواز = گذرنامه	مَرَحِباً بِكُمْ = خوش آمدید	شَرَّفْتُم = مشرف فرمودید	مُرَافِق = همراه
بطاقة = کارت - بلیط	تَفْتِيش = بازرسی	جاهز = آماده	لا تَتَنَقَّل = جابجا نمی شود
نیام = خفتگان (مفرد = نائم)	انتبهوا = بیدار شدند	بقاع = قطعه‌های زمینی	بِهائِم = چهارپایان
عَبِرَ = از راه	أن لا يَسْبُوا = که دشنام ندهند	ألا نَعْبُدُ = أن + لا نَعْبُدُ = که نمی پرستیم	
صالة = سالن	جَمَارِك = گمرک	من فَضْلِك = لطفاً	ذكريات = خاطرات
فَرَعٌ = خالی می شود	صدور = سینه‌ها	أحرار = آزادگان	قَسَمَ و قَسَمَ = تقسیم کرد
قد أنشد = سروده است	بارک الله فیک = آفرین بر تو	سکينة = آرامش	صَرَ = زیان
يُسر = آسانی	نَدَم = پشیمانی	حُمق = نادانی	دَم = نکوهش
نَفْساً = کسی	ما عَمَّرت = آباد نشد	بُلدان = شهرها - کشورها، (مفرد = بَلد)	
ما سَوها = جز آن	مسئول الاستقبال = مسئول پذیرش	أعطني = به من بده	
دَوام = ساعت کار	جُبنة = پنیر	زُبدة = کره	
دجاج = مرغ	تَدَب = توبه کرد	لَن يَخْلُقو ذُبَاباً = گلی را نخواهند آفرید	
مُخلصاً = در حالی که خالص گردانیده ام	کَم لَبِثت = چقدر درنگ کردی (چه مدتی اینجا به سر برده‌ای)		
مُشرف = مدیر داخلی	تنظيف = پاکیزگی	أَتَّصِلُ = تماس می گیرم	صيانة = تعمیرات
سرير = تخت	شِرف = ملافه	نُصَلِحُ = تعمیر می کنیم	تَسَلَّمَ عَيْنَكَ = چشمت سالم باشد
شَم = بویایی	ثُراب = خاک	عبادک الصالحين = بندگان شایسته‌ات	
شريحه = سیم کارت	اتصالات = مخابرات	شحن = شارژ کردن رسید = شارژ	
سامحين = مرا ببخش	أنت علی الحق = حق با توست	أبدلُ = عوض می کنم.	

عبارت‌های مهم

درس ۱

- ۱- الغیم بخارٌ متراکمٌ فی السّماء ینزلُ منه المطرُ
ابر، بخاری فشرده و انبوه در آسمان است که باران از آن می‌بارد.
- ۲- فیها ضیاءٌ و بها حرارةٌ منتشرة
در آن روشنایی است و به واسطه آن گرما منتشر می‌شود.
- ۳- ذاک هو الذی أنعمهُ منهُمَره
آن همان خدایی است که نعمت‌هایش سرازیر است.
- ۴- کَیْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ کَیْفَ صَارَتْ شَجَرَةً
چگونه از یک دانه رشد کرده و درخت شده است.
- ۵- مَنْ ذالذی أوجدها فی الجوّ مثل الشررة
کیست آن کسی که آن را در فضا همچون گلوله‌های آتشین درآورده است.

درس ۲

- ۱- مَنْ عَلَّمَ عِلْماً، أَوْ أجزی نهرأ
کسی که دانشی را به دیگران یاد داده است یا آب نهری را جاری ساخته است.
- ۲- الکلْب یقدر علی سماع صوت السّاعية من مسافة أربعین قدماً
سگ قادر به شنیدن صدای ساعت از فاصله ۴۰ قدمی است.
- ۳- ثمانین فی المئه فی موجودات العالم حشرات
هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند.
- ۴- الیوم الثانی من أيام السبوع یوم الأحد
روز دوم از روزهای هفته، یکشنبه است.

درس ۳

- ۱- وَأَنْزَلَ مِنَ السّماء ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثمرات رزقاً لکم
و از آسمان آبی نازل کرد و بوسیله آن آب از میوه‌ها روزی برای شما درآورده
- ۲- تعيش الأسماك فی النهر و البحر و لها أنواعٌ مختلفة
ماهی‌ها در رودخانه و دریا زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارند.
- ۳- الوقت الممتد من مغرب الشّمس إلى طلوع الفجر
زمان مستمر از غروب خورشید تا طلوع سپیده دم
- ۴- فاصبر إن وعد الله حق و استغفر لذنوبک
پس صبر کن قطعاً وعده خدا حق است و برای گناهات آمرزش بخواه
- ۵- إنکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم
همانا شما مسئول هستید حتی در مقابل قطعه زمین‌ها و چارپایان

درس ۴

- ۱- کُلّ جزب بما لَدیهم فرحون
هر فرقه‌ای به آنچه دارد دلخوش است



۲- و لا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ فِي دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ

کسانی را که به جای خدا می‌پرستند را دشنام ندهید تا آن‌ها هم به خدا دشنام ندهند.

۳- الصَّيْنِ أَوَّلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً

چین اولین دولت در دنیا است که از پول‌های کاغذی استفاده کرد

۴- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشَبُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَاشِيًّا سَلِيمًا

و همه مردم باید با هم همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

دس ۵

۱- الْغَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورٌ فِي الضَّوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكُ

غواصان در آن جا می‌تواند در نورهای این ماهی‌ها عکس بگیرند

۲- تَسْتَطِيعُ الْحَرْبَاءُ أَنْ تَدْبِرَ عَيْنَهَا فِي التَّجَاهَاتِ مُخْتَلِفَةً دُونَ أَنْ تُحْرِكَ رَأْسَهَا

آفتاب‌پرست می‌تواند بدون اینکه سرش را تکان دهد چشم‌های خود را به جهت‌های مختلف بچرخاند

۳- النَّدَمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ

پشیمانی به خاطر سکوت بهتر از پشیمانی به خاطر سخن گفتن است.

۴- رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

پروردگارا، هرکه را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته‌ای و ستمکاران هیچ باوری ندارند.

دس ۶

۱- لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ

وقتی شرایط برای ذوالقرنین در کشوری استقرار یافت

۲- إِنَّ رَجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا فِي هَذَا الْمَضِيقِ

مردان این دو قبیله فاسد هستند از این تنگه به ما حمله می‌کنند.

۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ

ای کسانی که ایمان آوردید، نباید مردمانی، مردمان دیگر را ریشخند کنند شاید آن‌ها بهتر از خودشان باشند.

۴- وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ

و از دیگران عیب نگیرید و به هم دیگر لقب‌های زشت ندهید

۵- ثُمَّ سَارَ مَعَ جَيْشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ

سپس با سپاهیان‌ش به سمت شرق حرکت کرد

دس ۷

۱- تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مَهْمًا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلْمِ

دلفین‌ها در جنگ و صلح نقش مهمی دارند

۲- الدَّلَفِينِ فِي الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تَرْضَعُ صِغَارَهَا

دلفین از حیوانات پستانداری است که به کودکان‌ش شیر می‌دهد

۳- اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي

خدایا مرا به آنچه که به من آموخته‌ای بهره‌مند کن و آنچه را که به من سود می‌رساند به من بیاموز

۴- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جَدًّا قَفَرٌ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ

همکلاسی بسیار باهوشی داریم که از کلاس اول به کلاس سوم جهش کرد

۵- رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ
پروردگارا به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده

□ درس ۸

- ۱- لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟
آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟
- ۲- وَإِنْ هَجَرْتِ سِوَاءَ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي
و اگر از من جدایی‌گزینی شب و روزم برابر می‌شود
- ۳- سَيِّد الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ
بزرگ گروه، خدمتگزارشان در سفر است
- ۴- وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ
و کسانی که هرگاه به آنان ستم شود، یاری می‌جویند.
- ۵- فَمَنْ عَفَا وَ أَصْلَحَ فَأُجْرُهُ عَلَى اللَّهِ
پس کسی که در گذرد و نیکوکاری کند پاداش او عهده خداست.

فقط برای رشته انسانی!

درس ۱ تا ۴ در رشته انسانی و تجربی مشترک است!

درس ۵: هر کدام از نقش‌های یک جمله، مثل فاعل، مفعول، مبتدا و خبر یک علامتی دارن! که در عربی به اون حرکت می‌گیم اعراب. دونستن این حرکات در تشخیص اونها بهمون کمک می‌کنه:
قبلش بهتره با حرکات و اعراب در عربی آشنا بشیم:
اعراب «رفع»: **ـُ ، ـُ ، ـِ ، وَنَ :** اینا همیشه علامت رفع! اسم‌هایی که این علامت‌ها رو داشته باشن = مرفوع!
فاعل، مبتدا و خبر علامت رفع دارن.

اعراب «نصب»: **ـَ ، ـِ ، ـً ، ـٍ :** اینا همیشه علامت نصب! اسم‌هایی که این علامت‌ها رو داشته باشن = منصوب!
مفعول، همیشه علامت نصب داره.

اعراب «جر»: **ـِ ، ـٍ ، ـً ، ـٍ :** اینا همیشه علامت جر! اسم‌هایی که این علامت‌ها رو داشته باشن = مجرور!
علامت اسمی که مضاف‌الیه واقع شده، همیشه جر!
مثلاً: اضاعة الفرصة (از دست دادن فرصت / اضاعة: مضاف و الفرصة: مضاف الیه) = الفرصة: مجرور! چون مضاف الیه واقع شده.

درس ۶: معرب / مبنی:

معرب: گفتیم هر اسمی دارای یک حرکت پایانی (اعراب) هست! و گفتیم هر نقشی چه اعرابی داره!

حالا اون اسمی که اگر در جمله جایگاهش تغییر کنه، اعرابش هم تغییر میکنه = معرب!

مثلاً: بسم الله الرحمن الرحيم.

و الله يعلم ما فی قلوبکم

و استغفروا الله ان الله غفور رحيم.

✓ کلمه «الله» در ۳ جمله بالا تکرار شده. در جمله اول، در نقش مضاف الیه / در جمله دوم در نقش مبتدا و در جمله سوم در نقش مفعول به کار رفته.

✓ وقتی «الله» در جمله مضاف الیه بود، علامتِ جر داشت

✓ وقتی «الله» در جمله مبتدا بود، علامت رفع داشت



✓ وقتی «الله» در جمله در نقش مفعول بود، علامت نصب داشت

✓ در این مثال، واژه الله چون در نقش‌های مختلف، اعراب‌های مختلف پذیرفته بهش می‌گیم معرب.

مبنی: اسمی که با جا به جایی و تغییر نقش، اعرابش رو حفظ کنه! اسم‌ها و حروفی که مبنی هستن رو باید حفظ کنیم:

۱ ضمائر متصل و منفصل : انت، انتِ، هوَ، هی و...

۲ اسم‌های اشاره : هذه، هذا، ذلک، تلک (تمام اسم‌های اشاره مبنی هستن به جز مثنی‌ها)

۳ کلمات پرسشی : کیف، متی، مَنْ، آینَ، ما و...

۴ تمام فعل‌های ماضی و امر

۵ صیغه‌های جمع مونث (یعنی یفعلن و تفعَلن) در فعل مضارع

به جز اسامی بالا بقیه اسم‌ها و فعل‌ها در عربی معرب هستن!

درس ۷ در رشته انسانی: فعل مجهول و معلوم (هم موضوع با درس ۶ دهم بچه‌های تجربی)

درس ۸ در رشته انسانی: حروف جر و نون وقایه (هم موضوع با درس ۷ دهم بچه‌های تجربی)

سوالات عربی دهم

درس اول

شناسنامه سؤالات : دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان قزوین

سوال ۱ ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَتَيْنِ الْمُتْرَادِفَيْنِ وَ الْمُتَضَادَّتَيْنِ؟ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

مَسْمُوح - رَقْدٌ - شَرَاءٌ - مَمْنُوعٌ - نَامٌ - مُجِدٌ

الف. = ب. =

پاسخ: الف- رقد مترادف نام
ب- مسموح متضاد ممنوع
الف- رَقْدٌ = نَامٌ = خوابید
ب- مسموح = مجاز ≠ ممنوع = غیرمجاز

سوال ۲ للترجمة

۱- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ

۲- وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

۳- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَ

پاسخ: ۱- ماه ستاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و روشنایی‌اش از خورشید است.

۲- به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرد.

۳- پس جست و جو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می‌آورد؟ (پدید می‌آورد)

سوال ۳ اِنتخب الترجمة الصحيحة:

الف- این‌ها تیم‌های برنده هستند. ۱- هَذَانِ الْفَرِيقَانِ فَائِزَانِ

ب- این تیم‌ها برنده هستند.

الف- در اینترنت جستجو می‌کردند. ۲- كَانُوا يَبْحَثُونَ فِي الْانْتَرْنِتِ

ب- در اینترنت جستجو کرده بودند.

پاسخ: ۱- گزینه ب درست است، یعنی "الفريقان"، مبتدا است و "فائزان"، خبر است

• نکته = هر وقت چنین ترکیبی در جمله بود همواره مبتدا و خبر داریم:

اسم "ال" دار + اسم بدون "ال" (نکره) ← مبتدا و خبر

۲- گزینه الف درست است، زیرا: کان + مضارع = ماضی استمراری

سوال ۴ كَمِّلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ؟

الف- إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا: قطعاً ما را

ب- لَا تَجْعَلْ عَلَى الْأَرْضِ: بر روی زمین

ج- اُكْتُبُوا رِسَالَاتِكُمْ: نامه‌هایتان را

پاسخ: الف- پژوهش‌هایی - خواهیم نوشت

ب- قرار نده

ج- بنویسید

سوال ۵ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:

- ۱- أَيُّهَا الطَّلَابُ مِنَ الصَّفِّ
 ۲- يَا عَزِيزَتِي وَاجِبَاتِكَ الْمَدْرَسِيَّةِ.
- لا تَخْرُجِي □ لا تَخْرُجُوا □
 أَكْتُبِي □ أَكْتُبَا □

پاسخ: ۱- لا تخرجو ۲- أكتبي

۱- الطَّلَابُ، جمع است و نیاز به فعل جمع دارد.

ترجمه ← ای دانش‌آموزان از کلاس خارج نشوید

۲- عزیزتی، مفرد مخاطب مؤنث است پس باید فعل امر مناسب با این صیغه آورده شود.

ترجمه ← ای عزیز من، تکالیف مدرسه را بنویس

سوال ۶ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ؟

نَمَتْ - أَوْجَدَ - زَانَ - يُخْرِجُ

پاسخ: يُخْرِجُ / همه افعال ماضی هستند، به جز "يخرج" که مضارع می‌باشد

سوال ۷ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ وَصَيغَتِهَا فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ

أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ، فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ الْمَطَرَ.

نوع: ، صيغته:
 نوع: ، صيغته:

پاسخ: نوع: امر صيغته: دوم شخص مفرد مؤنث

نوع: ماضی صيغته: سوم شخص مفرد مذکر

أَنْظُرِي: نحوه ساخت:

این فعل امر است و همانطور که می‌دانیم فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود

أَنْظُرِينَ (مؤنث مخاطب) ← أَنْظُرِي (امر مؤنث مخاطب)

أَنْزَلَ ← این فعل بر وزن أَفْعَلَ، از باب افعال است و ماضی است و چون علامت ماضی ندارد صیغه‌اش سوم مفرد مذکر است.

سوال ۸ رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبْ سَوَالًا وَ جَوَابًا صَحِيحًا.

۱- الْآنَ، إِيْرَانِ، هَلْ، حَتَّى، سَافِرْتِ، إِلَى ←

پاسخ: هل سافرت الى الايران حتى الآن

"هَلْ"، چون پرسش است اول جمله می‌آید، در کلمات داده شده، واژه‌ای که بتوان آن را به عنوان فاعل و مبتدا در نظر گرفت نداریم، پس جمله ما، جمله فعلیه است. بنابراین پس از "هل" از فعل "سافرت" استفاده می‌کنیم، در زبان عربی، قیده‌ها معمولاً آخر جمله می‌آید. پس "حتى الآن" را در آخر می‌نویسیم.

سوال ۹ اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ؟

الف- الْفُسْتَانِ جَمْعٌ: ب- أَنْعَمَ مُفْرَدٌ:

پاسخ: الف- الفساتين ب- نعمة

درس دوم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان کردستان

سوال ۱۰ ترجمه کلمات التي تحتها خط:

الف) ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ. ب) جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِثَّةً جُزْءٍ.

پاسخ: الف) چشمه‌ها، جوی‌های پرآب ب) صد

سوال ۱۱ اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفين و الكلمتين المتضادتين:

زائد، صبر، ليلة، حلم، ناقص

..... = ≠

پاسخ: صبر = حلم زائد ≠ ناقص

حلم = صبر = بردباری زائد = اضافه ≠ ناقص = کم

سوال ۱۲ عین الکلّمة العربیة فی کُلّ مجموعة:

الف) الحَرِيف ب) الشَّتَاء ج) الرِّبِيع د) الحَمِيس
ه) الكَلْب و) العُرَاب ز) الحَبَّة ح) النَّمْلَة

پاسخ: الف) الحَمِيس ب) الحَبَّة

الف) پاییز ب) زمستان ج) بهار د) پنجشنبه
ه) سگ و) کلاغ ز) دانه ح) مورچه

سوال ۱۳ ترجمه هذه الجملة:

۱- تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

۲- (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا)

۳- سَبَّحَ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۴- النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً.

پاسخ: ۱) ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

۲) هرکس یک نیکی بیاورد پس ده برابر مانند آن برای اوست.

۳) پاداش هفت (چیز) در حالی که پس از مرگش در قبرش است برای بنده جاری است.

۴) مورچه می‌تواند چیزی را که پنجاه (۵۰) برابر وزنش است حمل کند.

سوال ۱۴ انتخب الترجمة الصحيحة:

العُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ.

۱) کلاغ سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند.

۲) کلاغ بیست و سه سال زندگی می‌کند.

پاسخ: ۱

سوال ۱۵ کَمَلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- ۱- عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةٌ. الْوَزْعُ فِي الْخُلُوعِ وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقَلَّةِ وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ.
 نشانه‌های مومن سه تاست: در خلوت (تنهایی)، صدقه دادن در، راستگویی به هنگام ترس.
- ۲- أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّازُ.
 چهار چیز اندک‌ش بسیار است: مستمندی (فقر)،، دشمنی و

پاسخ: ۱- پرهیزکاری / تنگدستی ۲- درد / آتش

سوال ۱۶ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ:

- (۱) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا.
 (۲) رَبَّنَا... تَبَّثْ أَقْدَامَنَا!
 (۳) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي.
 (۴) كُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرُقُوا!

پاسخ: (۱) یاد داد (۲) استوار کن (۳) بگشای (۴) پراکنده نشوید

(۱) عَلَّمَ ← بر وزن فَعَّلَ از باب تفعیل پس زمان فعل ماضی است و چون نشانه‌ای ندارد سوم شخص مفرد مذکر است ← یاد داد

(۲) تَبَّثْ ← بر وزن فَعَّلَ از باب تفعیل که در گزینه قبل آورده شد. پس امر داریم ← اقرار کن

(۳) اشْرَحْ ← فعل مجزوم شده با عین الفعل فتحه دارد و (الف) ابتدای فعل کسره دارد ← با این اوصاف فعل امر داریم ← بگشای

(۴) لا تَفْرُقُوا ← یک فعل مضارع داریم که مجزوم شده و "لا" گرفته پس فعل نهی داریم ← پراکنده نشوید

سوال ۱۷ اُكْتُبِ الْخُرُوفَ بِالْأَرْقَامِ كَالْمِثَالِ:

المِثَالُ: عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ ۱۰×۳=۳۰

سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ. اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعَيْنِ.

پاسخ:

$۸۲ \div ۲ = ۴۱$	$۶ \times ۱۱ = ۶۶$
------------------	--------------------

یادآوری ← فی = ضرب فی = ضربدر × زائد = به علاوه +
 علی = تقسیم علی = تقسیم بر ÷ ناقص = منهای -

سوال ۱۸ اُرْشُمُ عَقَارِبِ السَّاعَةِ:



پاسخ:



یادآوری ← إلا رُبْعًا = یک ربع مانده به ... والنِّصْف = نیم و الرُّبْع = ربع

سوال ۱۹ صَغِّعْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَانِ)

غَابَات / كَافِرِينَ / جَائِزَةٌ / أَيَّامٍ / الدَّلِيلَانِ

جمع مذكر سالم	مفرد مونث	جمع مونث سالم	جمع مكسر

پاسخ:

جمع مذكر سالم	مفرد مونث	جمع مونث سالم	جمع مكسر
كَافِرِينَ	جَائِزَةٌ	غَابَات	أَيَّامٍ

تَلَكُّهُ

اسم از لحاظ تعداد:

مفرد: بدون نشانه / بر یک دلالت می‌کند.

مثنی: ان ین / بر دو دلالت می‌کند.

جمع سالم: مذكر (وَن ین) / مونث (ات)

جمع مکسر: بی‌قاعده (تلامیذ، کتب، ایام و ...)

درس سوم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان کرمان

سوال ۲۰ اُكْتُبْ التَّرْجَمَةَ مَا أَشْبَهَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

الف. إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ. ب. تَصْبِيحُ الْأَرْضِ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ. ج. يَخْتَفِلُ النَّاسُ هَذَا الْيَوْمَ سَنَوِيًّا.

پاسخ: بارش (فرود آمدن) / فرش شده (پوشیده شده) / سالیانه

سوال ۲۱ اُكْتُبْ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ الْكَلِمَةَ فِي الْفَرَاغِ.

ظاهره: أفلام:

پاسخ: ظواهر / فلم

سوال ۲۲ اُكْتُبِ الْمُضَادَّتَيْنِ وَ الْمُرَادِفَتَيْنِ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (صعود - حفلة - نزول - رَفَع - مهرجان)

..... = ≠

پاسخ: حفلة = مهرجان = جشنواره / صعود = بالارفتن ≠ نزول = پایین آمدن

سوال ۲۳ تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَةِ.

الف: اُنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.

ب: يَحْدُثُ مَطَرٌ السَّمَكِ سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ.

ج: حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.

د: النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.

ه: اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَأَهْجِرْهُمْ.

پاسخ: الف: به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی.

ب: باران ماهی سالانه در هندوراس اتفاق می افتد.

ج: دانشمندان برای شناخت راز این پدیده عجیب تلاش کردند.

د: مردم خوابند هرگاه بمیرند بیدار می شوند.

ه: صبر کن بر آنچه می گویند و آنها را رها کن.

سوال ۲۴ عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

۱- وَ لَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ...

الف: از رحمت خدا ناامید نشوید. ب: از رحمت خدا ناامید نشدید.

۲- فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ ...

الف: برای گناهانتان طلب مغفرت کنید. ب: برای گناهانشان طلب آمرزش کردند.

پاسخ: ۱: الف ب

۱) الف درست است، زیرا فعل مضارع مجذوم شده و "لا" گرفته پس فعل نهی داریم.

۲) ب درست است، اِسْتَغْفَرَ بر وزن اِسْتَفْعَلَ از باب اِسْتِفْعَالِ اسْت (اِسْتَفْعَلَ - يَسْتَفْعَلُ - اِسْتَفْعَلُوا - اِسْتَفْعَلُوا) پس فعل امر نیست و ماضی می باشد، از طرفی ضمیر متصل «هم»، به معنای «شان» پس ذنوبهم = گناهانشان.

سوال ۲۵ ترجم الأفعال التالیه: إنقطاع: قطع شدن

يَنْقَطِعُ يَنْقَطَعُ يَنْقَطِعُ

پاسخ: قطع شد - قطع می‌شود - قطع شو
 إنقطاع، بر وزن إنفعال است پس باب إنفعال داریم.

سوال ۲۶ اِنْتَجِبِ لِلْفِرَاغِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ:

الف: وجوهكم. (غَسَلْتُ - اِغْسِلُو)
 ب: اَلْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ. (يَتَسَاقَطُ - تَتَسَاقَطُ)
 ج: الإيرانيون بالنوروز. (يَحْتَفِلُ - يَحْتَفِلُونَ)

پاسخ: الف: اِغْسِلُو ب: تَتَسَاقَطُ ج: يَحْتَفِلُ
 وجوهكم، جمع است پس باید فعل جمع برایش استفاده کنیم ← صورتان را بشویید

نکته در زبان عربی، اسم‌های جمع غیرانسان در حکم مفرد مؤنث محسوب می‌شوند. بنابراین از نظر قواعدی با اسم‌های جمع غیرانسان مانند مؤنث بر خورد می‌شود.
 أسماك (جمع غیرانسان) ← پس نیاز به فعلی دارد که در صیغه مفرد مؤنث باشد.

نکته در زبان عربی اگر فعل قبل از فاعل آورده شود، همواره به صورت مفرد بیان می‌شود حتی اگر فاعل جمع باشد و اگر فعل پس از فاعل آورده شود، هم در جنس و هم در تعداد با فاعل مطابقت خواهد داشت.

سوال ۲۷ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ الْمَجْمُوعَةِ:

الف: تَعَلَّمَ أَخْرَجَ اِشْتَعَلَ اِمْتَنَعَ
 ب: اِسْتَعْلَمَ اِسْتَحْرَجَ اِسْتَعْفَزَ اِسْتَمَعَ

پاسخ: الف: اِمْتَنَعَ ب: اِسْتَمَعَ
 (لف) همه افعال ماضی هستند به ترتیب بر وزن: تَفَعَّلَ (باب تَفَعَّلَ) - أَفْعَلَ (باب اِفْعَالَ) اِفْتَعَلَ (اِفْتَعَالَ)، به جز اِمْتَنَعَ که بر وزن اِفْتَعَلَ از باب اِفْتَعَالَ بوده و فعل امر است.
 (ب) همه افعال از باب استفعال هستند از اِفْتَعَالَ، دقت کنید که "س" متعلق به ریشه فعل هست یا نه؛ اگر "س" جزء ریشه فعل نباشد و زائد باشد، باب استفعال در غیر این صورت باب اِفْتَعَالَ داریم.
 مثال ← اِسْتَمَعَ س م ع (سَمِعَ) ← س جزء حروف اصلی فعل است و زائد نیست پس از باب اِفْتَعَالَ می‌باشد

سوال ۲۸ كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ

ماضی: اِسْتَعْفَرَ مضارع: أمر: مصدر:

پاسخ: مضارع: يَسْتَعْفِرُ أمر: اِسْتَعْفِرْ مصدر: اِسْتَعْفَار
 اِسْتَعْفَرَ بر وزن اِسْتَفْعَلَ از باب اِسْتَفْعَالَ می‌باشد.
 اِسْتَفْعَلَ (ماضی) - يَسْتَفْعِلُ (مضارع) - اِسْتَفْعِلْ (امر) - اِسْتَفْعَالَ (مصدر)

سوال ۲۹ كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ.

من ؟ أَنْتُمْ؟ نحن من إيران

پاسخ: ای - بلد

درس چهارم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان کرمانشاه

سوال ۳۰ ترجم کلمات التي تحتها خط:

(الف) عَمِيلُ الْعَدُوِّ يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ.

(ب) فَرَعَتْ بَطَارِيئَهُ جَوَالِي.

(ج) الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ يَقَعُ فِي غَرْبِ قَارَةِ أَفْرِيقِيَا.

پاسخ: الف) مزدور (ب) خالی شد (ج) اقیانوس

سوال ۳۱ اكتب في الفراغ الكلمتين المرادفتين و الكلمتين المتضادتين: (حسنة، عند، سكان، سيئة، لدى، مكان) (كلمتان زائدتان)

..... ≠ =

پاسخ: حسنة ≠ سيئة عند = لدى = نزد حسنة = خوبی ≠ سيئة = بدی

سوال ۳۲ ترجم العبارات التالية إلى الفارسية:

(الف) (إِنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ اسْتَعْفُزُ لِدُنْبِكَ).

(ب) إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ.

(ج) لَا يَنْتَفِعُ أَحَدٌ بِالْإِصْرَارِ عَلَى نِقَاطِ الْخُلَافِ، وَ يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَةِ الْعَقِيدَةِ.

(د) يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي اجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.

(ه) الرِّزَاقَةُ تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ، فِي ثَلَاثِ مَرَاكِلٍ أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً فَقَط.

پاسخ: الف) همانا وعده خداوند حق است و برای گناهت آمرزش بخواه.

(ب) همانا خداوند در قرآن به مسلمانان فرمان می‌دهد که به بنهای مشرکان و کافران دشنام ندهند.

(ج) کسی با اصرار بر نقاط اختلاف سود نمی‌برد و قرآن بر آزادی عقیده تاکید می‌کند.

(د) همبستگی امت اسلامی در گردهمایی مسلمانان در یک مکان در حج جلوه‌گر می‌شود.

(ه) زرافه در یک روز در سه مرحله فقط کمتر از ۳۰ دقیقه می‌خوابد.

نکته: اسْتَعْفُزُ بر وزن اسْتَفْعَلَ از باب اسْتَفْعَالِ و فعل امر است.

الْأَيُّسُبُوا = أَنْ لَا يَسُبُّوا = که دشنام ندهند

سوال ۳۳ اُنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

(الف) يَذْهَبُ الطَّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي كُلِّ فَضْلِ مِئَةِ يَوْمٍ إِلَّا عَشْرَةَ أَيَّامٍ.

۱- دانش‌آموزان در هر فصل ۹۰ روز به مدرسه می‌روند.

۲- دانش‌آموزان در هر فصل ۱۱۰ روز به مدرسه می‌روند.

(ب) أَجْلَسَتِ الْأُمُّ وَلَدَهَا عِنْدَهَا.

۱- مادر، فرزندش را نزد خود نشاند.

۳- مادر، نزد فرزندش نشست. □

پاسخ: الف) ۱ (ب) ۱

الف) مئة يوم إلا عشرة = ۹۰ روز

ب) روش پیدا کردن باب در فعل‌ها ← ۱ فعل را به ضیغه اول می‌بریم. (ماضی و مضارع ← هُوَ/امر ← أَنْت) به ضیغه اول وزن می‌دهیم. ۳- به دنبال آن وزن در بین باب‌ها می‌گردیم تا پیدایش کنیم.

مثال ← أَجَلَسْتُ ← ۱- أَجَلَسَ ← ۲ أَفْعَلَ ← از باب افعال می‌باشد.

از طرفی "عند" مضاف "ولد" نمی‌باشد پس ترکیب "نزد فرزند" اشتباه بوده، در معنی "عند" ضمیر متصل دارد که در گزینه ۲ این ضمیر متصل ترجمه نشد.

نکته طلایی: باب‌های "افعال - تفعیل - إستفعال" اغلب به صورت متعدی (نیاز به مفعول) ترجمه می‌شوند.

با توجه به این نکته، فعل ما از باب افعال است و به مفعول نیاز دارد پس "ولد" باید مفعول فعل باشد.

سوال ۳۴ ترجم الأفعال التي تحتها خط:

الف) أيها الولدان! لا تكتبوا على الجدار.

ب) هل ستكتبين الدرس في دفاتركن؟

پاسخ: الف) ننویسید (ب) خواهید نوشت

لا تكتبوا ← فعل مضارع داریم که مجذوم شده و "لا" گرفته ← فعل نهی ← ننویسید

نکته ← لا + فعل مضارع = مضارع منفی و لا + مضارع مجذوم = فعل نهی

ما كتبنا ← ما + فعل ماضی = فعل ماضی منفی

از طرفی ثَمَا، نشانه ضمیر آنتم می‌باشد ← ننوشتید

سَ / سَوْفَ + فعل مضارع = فعل مستقبل (آینده) ← خواهید نوشت

كَانَ / كُونُ / كُنَّ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

كُنَّا + نكتب = می‌نوشتیم (توجه = كُنَّ + نا = كُنَّا)

سوال ۳۵ عين الفعل المناسب لل فراغ:

الف) الطالبات نا بما حدثت في الصف.

۱. أَخْبَرْتَنَ □ ۲. أَخْبَرْنَ □

ب) مِنَ الْمَدْرَسَةِ قَبْلَ سَتَيْنِ.

۱. تَخَرَّجُ □ ۲. تَخَرَّجْنَا □

ج) مَتَى وَصَلْتِ إِلَى الْبَيْتِ؟ لَيْلًا!

۱. وَصَلْتُ □ ۲. وَصَلْتِ □

د) إِنَّكَ إِلَى مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ فِي الْعَامِ الْقَادِمِ.

۱. سَافَرْتُ □ ۲. سَوْفَ تُسَافِرِينَ □

پاسخ: الف) ۲ (ب) ۲ (ج) ۱ (د) ۲

الف) الطالبات، فاعل است و قبل از فعل آمده پس باید از فعلی استفاده کنیم که در جنس و تعداد با آن تطابق داشته باشد، الطالبات، جمع مؤنث غایب (غیرمخاطب) است؛ پس گزینه ۲ درست است.

ب) در اینجا جمله راجب "دو سال پیش" صحبت می‌کند، پس نیاز به فعل ماضی داریم.

ج) چه زمانی به خانه رسیدی؟ شب رسیدیم ← پس فعل ماضی اول شخص مفرد نیاز داریم.

د) جمله راجب "سال آینده" صحبت می‌کند پس نیاز به فعل مستقبل داریم.

سوال ۳۶ الف) عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: (إِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ وَلَا تَفَرَّقُوا)



۱. فعل أمر - له ثلاثه حروف أصلية و هي «ع ص م» و ماضيه «اعْتَصَمَ» على وزن إِفْتَعَلَ
 ۲. فعل - حروفه الأصلية ثلاثة «ع ت م» و مصدره «اعتصام» على وزن افتعال
 ۳. فعل - للجمع المذكر المخاطب - له حرفان زائدان، ماضيه «اعْتَصَمَ» و مصدره «اعتصام» على وزن افتعال
- (ب) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: (و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ)
۱. فعل ماضى - حروفه الأصلية: «ن ز ل» و مصدره: «تنزيل»
 ۲. فعل أمر - مزيد ثلاثى - مضارعة: «يُنزِلُ»
 ۳. فعل ماضى - مزيد ثلاثى - مصدره: «إنزال» على وزن «إفعال»

پاسخ: الف) ۲ (ب) ۳

الف) إعتصموا ← حروف اصلی = ع ص م / ابتدا باب فعل را طبق مراحل که قبلاً گفتیم پیدا می‌کنیم:
 ۱. إعتصم ← ۲. إفتعل ← ۳. باب إفتعال (إفتعل ماضی) - يفتعل (مضارع) - إفتعل (امر) - إفتعال (باب)
 فعل امر است و همانطور که می‌دانیم "....سوا"، نشانه آنتم (جمع مذكر مخاطب است)
 (ب) أنزلنا ← حروف اصلی = ن ز ل / پیدا کردن باب: ۱ أنزل ← ۲ أفعل ← ۳ إفعال
 (أفعل - يُفعل - أفعل - إفعال) ← همانطور که پیدا است، فعل ما، فعل ماضی می‌باشد

سوال ۳۷ کَمِّلِ الْجَدُولَ:

المصدر	المضارع	الماضى جاهد
	يَتَقَاعَدُ	
تَفْرِيح		
		أَخْرَجَ

پاسخ:

مُجَاهَدَة	يُجَاهِدُ	
تَقَاعَد		تَقَاعَد
	يُفَرِّحُ	فَرَّحَ
إِخْرَاج	يُخْرِجُ	

یافتن باب‌ها: جاهد ← جاهد ← فاعل ← مُفَاعَلَة (فاعِل - يُفَاعِلُ - فاعِل - مُفَاعَلَة)
 يتقاعه ← يتقاعه ← يتقاعل (تفاعِل - يتفاعِلُ - تفاعل - تفاعل)
 تفریح ← تفعیل ← (فَعَّلَ - يُفَعِّلُ - فَعَّلَ - تفعیل)
 أخرج ← أخرج ← أفعل ← إفعال (أفعل - يُفعل - أفعل - إفعال)

سوال ۳۸ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ تَمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

«قَالَ شُرْطَى إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ لِلْمَسَافِرِ بِأَدَبٍ: مِنْ أَى بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ وَ قَالَ الْمَسَافِرُ: نَحْنُ مِنَ الْعِرَاقِ وَ مِنْ مَدِينَةِ النَّجَفِ. قَالَ الشَّرْطَى: كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ قَالَ: خَمْسَةٌ: وَالِدَى وَ أُخْتَى وَ ابْنُ أُخْتَى وَ أُخَى.»

(ب) كَانِ الْمَسَافِرُونَ مِنْ أَىِّ مَدِينَةٍ؟

(د) أ كَانِ لِلْمَسَافِرِ أَبٌ وَ أُمٌّ؟

(الف) كَمَ عَدَدُ الْمَسَافِرِينَ جَمِيعًا؟

(ج) كَيْفَ كَانِ الشَّرْطَى يَتَكَلَّمُ مَعَ الْمَسَافِرِ؟

پاسخ: الف) ستة (ب) النجف (ج) بآدب (د) نَعَم

ترجمه متن: پلیس اداره گذرنامه با ادب به مسافر گفت: اهل کدام کشور هستید؟ و مسافر گفت: ما اهل عراق و شهر نجف هستیم. پلیس گفت: تعداد همراهان چندتاست؟ گفت: پنج تا: والدینم و خواهرم و پسر خواهرم و برادرم.
الف) مسافریں در کل چند نفر بودند؟ شش
ب) مسافران اهل کدام شهر بودند؟ نجف
ج) پلیس چگونه با مسافران صحبت می‌کرد؟ با ادب
د) آیا مسافر پدر و مادری داشت؟ بله

سوال ۳۹ عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْجَوَابِ:

- الف) لَمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
ب) مَا اسْمُ الْمَكَانِ الَّذِي يَجْلِسُ فِيهِ الطَّائِرَةُ؟
۱. حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ □
۱. فَوْقَ الْأَشْجَارِ □
۲. لِصَدِيقِي □
۲. الْمَطَارِ □

پاسخ: الف) ۲ (ب) ۲

- الف) این کیف مال چه کسی است؟
ب) اسم مکانی که هواپیما در آن می‌نشیند چیست؟
۱. کیفم باز است □
۱. بالای درختها □
۲. مال دوستم است □
۲. فرودگاه □

درس پنجم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان کهگیلویه و بویراحمد

سوال ۴۰ ترجم العبارات التالية.

- أ. شاهد الغواص مئآت المصاييح الملوّنة.
ب. الحسد ياكل الحسنات كما تاكل النار الحطب.
ج. إنّ اغلب الحيوانات اضافه الى امتلاكها للغه خاصه بها، تملك لغه عامه تستطيع من خلالها ان تتفاهم مع بعضها.
د. لسان القطّ مملوءٌ بَعْدَ نُفْرُزٍ سَائِلًا مُطَهَّرًا فَيَلْعَقُ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ.
هـ. أ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ مِنْ طَاقِ كِسْرَى؟

پاسخ: أ. شناگر صدها چراغ رنگی را مشاهده کرد.

- ب: حسادت همه خوبی‌ها را می‌خورد همانگونه که آتش هیزرها را می‌بلعد.
ج: بیشتر حیوانات علاوه بر زبان خاص خود از زبان عام برخوردار هستند که می‌توانند مفهوم را به دیگران برسانند.
د: زبان گربه پر از غددی است که مایعی ضد عفونی کننده ترشح می‌کند تا گربه زخمش را برای چند بار لیس بزند تا خوب شود.
ه: آیا تو سلمان فارسی را می‌شناسی و آیا در مورد طاق کسری چیزی می‌دانی؟

سوال ۴۱ عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ. (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)

حَرْب ارشَد إقْتَرَب سَلِم دَلَّ

• الكلمات المترادفة:

• الكلمات المتضادة:

پاسخ: کلمات مترادف: دَلَّ = ارشَد کلمات متضاد: سَلِمَ ≠ حَرْب
 ۲- دَلَّ = ارشَد = راهنمایی کرد سَلِمَ = صلح کرد ≠ حَرْب = جنگید = دشمنی کرد

سوال ۴۲ الف. ترجم الكلمات التي تحتها خط.

• هل يُمكنُ أن يَسْتَفِيدَ البَشَرُ يوماً بالبكتيريا المُضِيئةِ لِإنارةِ المُدُن؟

• تَسْتَعْمِلُ العُشْبُ المُناسِبَ لِلوقايةِ مِنَ الأمراضِ.

ب. اكتب المفرد او الجمع.

ذَنب:

ضُور:

پاسخ: الف. يَسْتَفِيدُ: استفاده می‌کند إنارة: روشنایی

العُشْبُ: گیاه خشک وقایت: پیشگیری

ب. ذَنب ← ذنوب ضُور ← تصویر

سوال ۴۳ اكمل الترجمة.

أ. لا يُكَلِّفُ اللهُ نفساً الا وسعها.

خداوند به جر به اندازه تکلیف نمی‌دهد.

ب. ما قَسَمُ اللهُ للعباد شيئاً أفضل من العقل.

خداوند برای چیزی از عقل تقسیم نکرد

پاسخ: أ. انسان، توانایش

ب: بندگان، برتر

سوال ۴۴ عین فی الایة الشریفة ترجمه ما تحتہ خط.

أ. ربنا اَئنا سمعنا منادياً ينادى للإيمان ان آمنوا بربكم فآمناً.

ای پروردگار ما، مسلماً ما صدای پیام‌دهنده را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که به پروردگارتان ایمان بیاورید و ایمان آوریم

ب. كلّ نفسٍ ذائقة الموت.

هرکس چشنده مرگ است

پاسخ: أ. منادی، سَمَعنا، آمَنا

سوال ۴۵ عین الكلمة التي لا تناسب الكلمات الاخرى.

أ. ورق قشر جُرح غَصن

ب. بحر صدر عین محیط

پاسخ: (أ) برگ پوسته جراحی شاخه ← جرح
(ب) دریا سینه چشمه اقیانوس ← صدر

سوال ۴۶ عین المحمل الاعرابی بیکلمات التي تحتها خط.

أ. أحب الأعمال إلى الله حفظ اللسان. ب. فتح التلميذ نافذة الصف.

پاسخ: أ. مبتدا، خبر، مضاف اليه ب. فاعل

(أ) **نکته** = مبتدا، اسم آغاز کننده جمله است و خبر، قسمتی از جمله که راجب مبتدا خبری به ما می‌دهد.

توجه = اگر یک گروه اسمی در جایگاه خبر باشد، فقط اسم آن گروه را خبر می‌گیریم و بقیه اسم‌های آن گروه مضاف‌الیه یا صفت می‌باشند.

(ب) **نکته** = فاعل، کننده کار است، همواره در جواب «کی یا چی» می‌آید، همواره به ازای هر فعل، فاعل یکتا است و همواره بعد از فعل می‌آید (هیچگاه کننده کاری که قبل از فعل آمده است فاعل محسوب نمی‌شود)

سوال ۴۷ اجعل في الدائرة العدد المناسب. (كلمة واحد زائدة)

البوم (۵) التازج (۴) الحليب (۳) الضحيفه (۲) الذئب (۱)

أ. مملوء بفيتامين دي. ○

ب. طائرته يسكن في الاماكن المتروكه. ○

ج. اوراق فيها اخبار و اطلاعات أخرى. ○

د. عضو خلف جسم الحيوان يحركه غالباً لطرد الحشرات. ○

پاسخ: أ: ۳ ب: ۵ ج: ۲ د: ۱

(أ) سرشار از ویتامین دی ← شیر

(ب) پرندهای که در اماکن متروکه زندگی می‌کند ← جغد

(ج) برگه‌هایی که در آن اخبار و اطلاعات دیگر وجود دارد ← روزنامه

(د) عضوی که پشت بدن حیوان است و آن را اغلب برای دور کردن حشرات تکان می‌دهد ← دم

سوال ۴۸ عین في العبارات التاليه: الفاعل، المبتدا، المفعول، الخبر، الصفه، المضاف اليه.

أ. سيد القوم يخدمهم في السفر.

ب. تعرف الطيور بغريزتها الاعشاب الطبيه.

پاسخ: أ: سيد : مبتدا القوم: مضاف اليه يخدم = خبر

ب: التيور: فاعل الاعشاب: مفعول الطبيه = صفت

نکته ← مفعول = در جواب «چه چیز را؟ - چه کسی را؟» می‌آید. / متمم را هم در زبان عربی مفعول در نظر می‌گیریم البته به شرطی که حرف جز قبل از آن نیامده باشد. / هرگاه ضمیر متصل به انتهای فعل بچسبد، مفعول محسوب می‌شوند.

ترکیبات اضافی ← ویژگی‌های طلایی مضاف = مضاف "ال" یا "نون جمع" یا "تنوین" نمی‌پذیرد.

* اسم‌هایی که نمی‌توانند مضاف باشند = ضمیر - اسم اشاره - اسم موصول - اسم "ال" دار

ترکیب وصفی ← موصوف * صفت * صفت

* صفت با موصوف همواره در «جنس - اعراب - معرفه / نکره - تعداد» تطابق دارد.



سوال ۴۹ اقرأ النص التالي ثم اجب عن الاسئلة.

العنكبوت قادرة على أن تعيش في الاماكن المختلفة هي تقدر أن تمشي على الارض و على الماء و حتى أن تعيش في الماء توجد في جسمها عدد تُفرز السائل الذي يُصبح جامداً بعد الخروج فتصنع العنكبوت منه بيتها و تستفيد منه لصيد الحشرات ايضا.

أ. هل تستطيع العنكبوت ان تعيش في الماء؟

ب. ما هي فائده سائل تفرزه الغدد في الجسم العنكبوت؟

ج. ما معنى "ان تعيش" ؟

د. عين المحل الاعرابي "قادرة" و "السائل" ؟

قادرة: السائل:

پاسخ: أ: يستطيع العنكبوت ان تعيش في الماء.

ب: تصنع العنكبوت منه بيتها و تستفيد منه لصيد الحشرات ايضاً.

ج: زندگی بکند د: قادره: خبر السائل: مفعول

ترجمه متن = عنكبوت قادر است که زندگی کند در اماکن مختلف، قادر است روی خشکی و روی آب راه برود و حتی در آب زندگی کند، در بدنش غددهای یافت می‌شود که مایعی ترشح می‌کنند که پس از بیرون آمدن جامد می‌شود و عنكبوت از آن خانه‌اش را می‌سازد و برای شکار حشرات نیز از آن استفاده می‌کند.

أ) آیا عنكبوت می‌تواند در آب زندگی کند؟ بله

ب) فایده مایع ترشح شده از غدد در بدن عنكبوت چیست؟ از آن خانه‌اش را می‌سازد و برای شکار حشرات نیز استفاده می‌کند.

ج) معنی «أن تعيش» چیست؟ که زندگی بکند

د) محل اعرابی "قادرة" و "السائل" را مشخص کنید؟ قادره = خبر السائل: مفعول

سوال ۵۰ عين الفاعل في العبارة التالية: رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

الف) انت (در اغفر) ب) ذنوب ج) رب د) لنا

پاسخ: گزینه الف- پروردگارا، گناهانمان را بر ما ببامرز

نکته همانطور که گفته شده فاعل همواره بعد از فعل می‌آید پس "رب" فاعل نیست. حال سؤال پیش می‌آید که پس فاعل کیست؟ در این شرایط که بعد از فعل هم فاعلی دیده نمی‌شود، ما فاعل مستتر داریم که در واقع ضمیر پنهان در فعل می‌باشد.

سوال ۵۱ عين المحل الاعرابي للكلمات التي تحتها خط.

أ. أحب الاعمال الى الله حفظ اللسان. ب. فتح التلميذ نافذه الصف.

پاسخ: أ) مبتدا - خبر - مضاف اليه ب) فاعل

سوال ۵۲ ترجم الكلمات التي تحتها خط:

الف. لِلْبَطِّ غَدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ قُرْبُ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا ب. يَلْعُقُ الْقُطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِّمَ

پاسخ: الف. دم - روغن ب. لبس می‌زند - تا زمانی که خوب شود

سوال ۵۳ عین المحلّ الإعرابی للكلمات التي أُشير إليها (نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید):

(الف) تُحوّل الأسماكُ المضيئةُ ظلامَ البحرِ إلى نهارٍ مُضيءٍ

(ب) عداوةُ العاقلِ خَيْرٌ مِنْ صداقةِ الجاهلِ

پاسخ: (الف) فاعل - مفعول - صفت (ب) مبتدا - خبر - مضاف اليه

سوال ۵۴ عین الفاعل و المفعول به فی العبارة التالية على الترتيب: يرسل الغراب اخبار الغابة

پاسخ: الغراب = فاعل اخبار = مفعول

* کلاغ خبرهای جنگل را می‌رساند

درس ششم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان فارس

سوال ۵۵ ترجم الكلمات التي أُشير إليها:

(الف) القومُ كانوا يَسْكُنُونَ قَرَبَ مَضِيقٍ.

(ب) أَشْعَلُوا النَّارَ

(ج) المُلكُ كانَ يُصِلِحُ الفاسدينَ مِنَ الناسِ.

پاسخ: (الف) تنگه (ب) بیفروزی (روشن کنید) (ج) اصلاح می‌کرد

(ب) تنها فعل امری که "الف" ابتدای فعل فتحه دارد از باب افعال است. ← أَفْعَلٌ - يُفْعِلُ - أَفْعِلْ - إِفْعَالٌ

(ج) کان + مضارع ← ماضی استمراری

سوال ۵۶ ضع المترادف و المتضاد في مكان المناسب: (قَبِلَ - إلى - إختار - رفض - نحو)

..... ≠ =

پاسخ: قَبِلَ ≠ رَفَضَ إلى = نَحَوَ

قَبِلَ = قبول شد ≠ رَفَضَ = مردود شد إلى = نحو = به سوی

سوال ۵۷ عین الكلمة الغريبة:

(ب) الحديد - النحاس - الحجر - الذهب

(الف) المُستنقِع - الرائحة - المياه - البحار

پاسخ: الف- الرائحة

ب- الحجر

دریها

آب

یو

الف) مرداب

طلا

سنگ

مس

ب) آهن

سوال ۵۸ اكتب المطلوب:

(ب) نِعْمَةٌ (الجمع):

(الف) أُمٌّ (المفرد):

(ج) ألقاب (المفرد):

(ج) لَقَبٌ

(ب) نَعَمٌ

پاسخ: الف) أُمَّة

سوال ۵۹ ترجم الجملات إلى الفارسية:



- ۱- خَاطَبَ اللهُ الْمَلِكَ فِي سَأْنِهِمْ.
- ۲- تُعَسَلُ مَلَابِسُ الرِّيَاضَةِ.
- ۳- كَانَ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً.
- ۴- «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ».
- ۵- كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ مَلِكًا عَادِلًا مَوْحَدًا.
- ۶- حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
- ۷- أَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ.
- ۸- «يُعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ».

- پاسخ:** ۱- خداوند پادشاه را در مورد آنها خطاب کرد.
 ۲- لباس‌های ورزش شسته می‌شود.
 ۳- بر مناطق پهناوری حکومت می‌کرد.
 ۴- از خودتان عیب نگیرید.
 ۵- ذوالقرنین پادشاهی عادل یکتاپرست بود.
 ۶- تا اینکه آنها را به راه راست هدایت کرد.
 ۷- بسیاری از امت‌ها از او پیروی و استقبال کردند.
 ۸- گناهکاران از چهره‌شان شناخته می‌شوند.

سوال ۶۰ عین الترجمة الصحيحة:

- (الف) إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: قطعاً کسانی را که ...
 ۱- غیر از خدا دعوت می‌کنید مگسی را نمی‌آفرینند.
 ۲- غیر از خدا فرا می‌خوانید مگسی را نخواهند آفرید.
 (ب) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ: ای کسانی که ...
 ۱- ایمان آورده‌اند از بسیاری از گمان‌ها دوری کردند.
 ۲- ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید.

پاسخ: (الف) ۲ (ب) ۲

لن + فعل مضارع ← آینده منفی (مستقبل منفی) اجتنبوا، فعل امر است ← فعلی مضارع که مجذوم شد.
 نشانه مضارعه ابتدای فعل حذف شده و به جای آن همزه گرفته

نکته معمولاً وقتی در ابتدای جمله، منادا داریم، فعل بعدی، فعل امر است.

سوال ۶۱ کمل الترجمة:

- ۱- «أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ»
 آیا از شما که برادر مرده‌اش را بخورد؟ آن را ناپسند می‌دارید.
- ۲- طعام الفطور: شاي و خبز و جبنة و زبدة و حليب.
 غذای صبحانه: چای و نان و و و است.

پاسخ: ۱- یکی - دوست می‌دارد - گوشت ۲- پنیر - کره - شیر

سوال ۶۲ ترجم الأفعال:

- ۱- «وَ إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاسْتَمِعُوا لَهُ». ۲- أَعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي. ۳- الْمَدِيرَ جَاءَ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ
 ۴- النَّاسُ تَخَلَّصُوا مِنَ الْعَدُوِّ. ۵- بَا فَاطِمَةَ لَا تَفْتَحِ الْبَابَ. ۶- سَوْفَ أَسْتَقْبِلُكُمْ. ۷- أَعْتَذِرُ مِنْكَ

پاسخ: ۱- خوانده می‌شود (خوانده شد) - گوش فرا دهید ۲- بده ۳- آورده
 ۴- نجات یافتند ۵- باز نکن ۶- استقبال خواهم کرد ۷- پوزش می‌خواهم

روش مجهول کردن فعل ماضی ← ابتدا عین الفعل را کسره می‌دهیم و سپس تمام حروف صدادار قبل از عین الفعل را ضمه (ُ) می‌دهیم.
 از بین ضمایر متصل، هرگاه ضمیر "ی" متلکم و حده به عنوان مفعول به انتهای فعل بچسبد در این شرایط یک "نون" بین فعل و این ضمیر قرار می‌گیرد که به آن نون وقایه می‌گویند. (این نکته در درس‌ها بعد می‌آموزید اما برای ترجمه صحیح فعل به آن نیاز دارید).
 سوف + فعل مضارع ← فعل مستقبل

سوال ۶۳ عین الضحیح:

- ۱- الطُّلَابُ بَابِ الصَّالَةِ. ۲- المُسْتَنْقَعُ مَكَانٌ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا.
 ۳- ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ قَرَبٍ مُضِيقٍ. ۴- الْأَوْضَاعُ لَنَا.
 أَغْلَقُوا أَغْلَقُوا
 تَجْتَمِعُ تَجْتَمِعُ
 يَسْكُنُونَ يَسْكُنُ
 اسْتَقَرَّتْ اسْتَقَرَّتْ

پاسخ: ۱- أَغْلَقُوا ۲- يَجْتَمِعُ ۳- يَسْكُنُونَ ۴- اسْتَقَرَّتْ

در این ساختار، فعل ماضی نیاز داریم: أَغْلَقُوا (ماضی) - إغْتَلَقُوا (امر)
 الماء، مفرد مذکر است و نیاز به فعلی با این صیغه دارد.
 قوم، اسم جمع است که قبل از فعل آمده. (هرگاه کننده کار قبل از فعل بیاید، فعل در جنس و تعداد با آن مطابقت دارد).
 اسم جمع غیر انسان در حکم مفرد مؤنث است. (الأوضاع ← جمع غیرانسان)

سوال ۶۴ عین الجواب الصحيح:

- ۱- الفعل المجهول: يُشْرِفُ ۲- الفعل المجهول من ضَرَبَ: ضَرَبَ
 يَعْلَمُ يُنَزِّلُ
 ضَرَبَ يُضْرَبُ

پاسخ: ۱- يَعْلَمُ ۲- ضَرَبَ
 نحوه مجهول کردن فعل مضارع ← عین الفعل را فتحه می‌دهیم و فقط به حرف مضارعه ضمه (ُ) می‌دهیم.
 نحوه مجهول کردن فعل ماضی ← عین الفعل را کسره می‌دهیم و به تمام حروف صدادار قبل از عین الفعل ضمه (ُ) می‌دهیم.

سوال ۶۵ عین کلمة تناسب التوضیح التالي:

- ۱- مجموعة كبيرة من الجنود للدفاع عن الوطن.

۲- من وظائف الجنود مقابل الأعداء.

- پاسخ:** ۱- الجیش ۲- المُحاربة
- (۱) گروه بزرگی از سربازان برای دفاع از وطن ← ارتش
(۲) از وظایف سربازان در مقابل دشمنان ← جنگیدن

سوال ۶۶ اقرا النص ثم أجب عن السؤالات.

كَانَ ذُو الْقَرْنَيْنِ مَلِكًا عَادِلًا مَوْحِدًا يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَالْعَدَالَةِ. سَارَ مَعَ جُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ وَالشَّمَالِ حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ وَطَلَبُوا مِنْهُ بِنَاءَ سَدٍّ عَظِيمٍ حَتَّى يَحْفَظُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ

- ۱- مَنْ كَانَ مَلِكًا عَادِلًا؟
۲- مَا كَانَ يَعْمَلُ ذُو الْقَرْنَيْنِ؟
۳- أَيْنَ سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ مَعَ جُيُوشِهِ؟

پاسخ: ۱- ذُو الْقَرْنَيْنِ ۲- يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَالْعَدَالَةِ ۳- سَارَ مَعَ جُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ وَالشَّمَالِ

ترجمه متن ← ذوالقرنین پادشاهی عادل بود که به مناطق وسیعی حکومت می‌کرد و مردم را به توحید و عدالت فرا می‌خواند. او همراه با لشکریان خود، به سمت شرق و شمال حرکت کرد. تا به قومی رسید که در عذاب شدید بودند و از او خواستند که سدی عظیم بسازد تا از اموال و جانشان حفاظت کنند.

(۱) چه کسی پادشاهی عادل بود؟ ذوالقرنین
(۲) ذوالقرنین چه می‌کرد؟ به مناطق وسیعی حکومت می‌کرد و مردم را به توحید و عدالت فرا می‌خواند.
(۳) ذوالقرنین همراه لشکریانش کجا رفت؟ به سمت شرق و شمال رفت.

سوال ۶۷ أجب عن السؤال التالي: ما هو رقم عُرفتک؟

شماره اتاقت چند است؟

پاسخ: واحد (هر عدد اصلی قابل قبول است)

سوال ۶۸ رتّب الكلمات التالية حتى تكون سؤالاً و جواباً: (ساعة - صاحباً - دوامک - الثانية - هی - ما - من - بعد الظهر - إلى - السادسة)

سؤال: ؟ جواب:

پاسخ: سؤال: ما هی ساعة دوامک؟
از ساعت ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر

جواب: من السادسة صباحاً إلى الثانية بعد الظهر.

سوال ۶۹ ضع في الدائرة العدد المناسب. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

- ۱- المُسْتَنْقَعُ
۲- النَّحَاسُ
۳- الْأَغْلَاقُ
۴- النَّهْبُ
۵- الْجَيْشُ
۶- الْأُمَّةُ
- جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ تَجْمَعُهُمْ رَوَابِطُ تَارِيخِيَّةٍ مُشْتَرَكَةٌ.
○ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
○ مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا.
○ عُنْصُرٌ فَلَزِيٌّ مُوَصَّلٌ جَيِّدٌ لِلْحَرَارَةِ وَالنَّكَهْرِبَاءِ.
○ غَارَةٌ الْأَمْوَالِ وَ مَا أُخِذَ قَهْرًا.

پاسخ: عدد مناسب را در دایره قرار دهید. "یک کلمه اضافی"

۱- مرداب

۲- مس

۳- بستن

۴- غارت

۵- ارتش

۶- ملت

- گروهی از مردم که با پیوندهای تاریخی مشترک متحد شده‌اند. ۶
- گروه بزرگی از سربازان برای دفاع از وطن. ۵
- مکانی که آب در آن به مدت طولانی جمع می‌شود. ۱
- یک عنصر فلزی که رسانای خوبی برای گرما و الکتریسیته است. ۲
- غارت اموال و آنچه به زور گرفته شده است. ۴

درس هفتم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان گیلان

سوال ۷۰ ترجم الافعال التي تحتها خط:

ب- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ

الف- اَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِي

د- كَانِ يَلْعَبُ دَوْرَةَ بِمَهَارَةٍ بِالْعَةِ

ج- سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ

- پاسخ:** الف- او را رساند ب- مرا قرار بده ج- تعمیر خواهیم کرد د- بازی می‌کرد
- نکته: فعل ماضی بر وزن "أَفْعَلْ" از باب افعال
- سَ + فعل مضارع ← فعل مستقبل
- كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

سوال ۷۱ عین الفعل المناسب للفراغ:

الف- نَحْنُ الخالقُ كُلِّ يَوْمٍ. (شَكَرْتُ - نَشَكَرْتُ - يَشْكُرُنَا)

ب- مِنْ دُونِ اللَّهِ أَحَدًا. (أَعْبَدُوا - مَا عَبَدْتُمْ - لَا تَعْبُدُوا)

ج- ذِكْرِيَاثُ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ. (كَتَبْتُ - حَرَجْنَا - عَمَلْتُمْ)

د- عَلِيٌّ رِسَالَةً لِصَدِيقِهِ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسِ. (تُرْسِلُ - أُرْسِلُ - يُرْسِلُونَ)

- پاسخ:** الف- نَشَكَرْتُ ب- لَا تَعْبُدُوا ج- كَتَبْتُ د- أُرْسِلُ
- الف) ما هر روز آفریننده را شکر می‌کنیم.
- ب) به غیر از خدا کسی را نپرستید.
- ج) خاطرات سفر علمی را نوشتم.
- د) علی نامه‌ای به دوستش در استان فارس ارسال کرد.

سوال ۷۲ عین المطلوب منك:

الف- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. (المضاف اليه - الخبر)

- ب- أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. (المبتدأ - المفعول)
ج- يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْإِسْرَةِ فَلَمَّا رَأَى رَأْعًا. (الفاعل - الصفة)

پاسخ: الف- المرء: المضاف اليه - الخبر: خَيْرٌ
ب- المبتدأ: أَنْتَ - المفعول: المال
ج- الفاعل: اعضاء - الصفة: راءعاً

سوال ۷۳ كَمَلِ الْآيَاتِ بِحُرُوفٍ مُنَاسِبٍ مِنَ الْحُرُوفِ الْجَارَةِ حَسَبَ الْمَعْنَى:

- الف- هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا الْأَرْضِ جَمِيعًا. او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.
ب- فَضَّلَ الْعَالَمَ عَلَى غَيْرِهِ فَضَلَ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است
ج- كَانَ الْفَلَّاحُ فِي الْمَرْعَةِ الصَّبَاحِ اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کر می‌کرد.

پاسخ: الف- فی ب- ک ج- من، حتی
حروف جز ← عَلى = بر / إلى = به / بِ = به / فی = در / مِنْ = از / عَنْ = از / كَ = مانند / لَ = برای
توجه ← فَ، مَعَ، مَنْ ← حروف جز نیستند

سوال ۷۴ عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْحُرُوفِ الْمَعْيَنَةِ:

- الف- الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمَنْصَدَةِ. (در □ مانند □ روی □)
ب- لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. (تا □ برای □ به وسیله □)
ج- وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ. (به سوی □ داشتن □ از □)
د- أُرْشِدُنَا إِلَى مَكَانٍ سَقُوطِ طَائِرَةٍ. (بر □ به □ درباره □)

پاسخ: الف- روی ب- برای ج- از د- به

سوال ۷۵ عَيِّنِ الْجَارَ الْمَجْرُورَ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ:

«أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

پاسخ: إلى الله، لعباد

سوال ۷۶ ضَعِ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ)

- ۱- الشاطى ○ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِصَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.
۲- الذَّاكِرَةُ ○ حَيَوَانٌ عَدُوُّ الدَّلَافِينِ.
۳- سَمَكُ الْقَرَشِ ○ مَنطِقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجَوَارِ الْبِحَارِ وَ الْمَحِيطَاتِ.
۴- السِّوَارِ ○ مُعْجَمٌ يَجْمَعُ كَثِيرًا مِنَ الْعُلُومِ.
۵- الموسوعة

پاسخ: ۴ - ۳ - ۱ - ۵

تزیینی از جنس طلا یا نقره در دست زنان. ۴ (دست بند)
 حیوانی که دشمن دلفین‌هاست. ۳ (کوسه ماهی)
 منطقه‌ای خشک در مجاورت دریاها و اقیانوس‌ها. ۱ (ساحل)
 فرهنگ لغت، بسیاری از علوم را جمع می‌کند. ۵ (دایرة المعارف)

سوال ۷۷ عَيْنَ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: (✓، ×)

- ۱- سَمِعَ الْإِنْسَانَ يَفُوقَ سَمْعَ الدَّفِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
 ۲- إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.
 ۳- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ.
 ۴- النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ.

پاسخ: ۱- × ۲- ✓ ۳- × ۴- ✓

- ۱) شنوایی انسان ۱۰ برابر بهتر از دلفین‌هاست. ×
 ۲) قطعاً دریا و ماهی‌ها نعمتی عظیم از سوی خداست. ✓
 ۳) طاووس از پرندگانی آبی است. ×
 ۴) نگاه کردن در صورت والدین، عبادت است. ✓

سوال ۷۸ انتخب الجواب الصحيح:

ما هي النَّوَاقِصُ فِي غُرْفِ الْفُنْدُقِ؟

- الف- يَتَّصِلُ مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ بِالْمُشْرِفِ □
 ب- سرير مكسور في الغرفة الأولى □

پاسخ: گزینه ب

چه نواقصی در اتاق‌های هتل وجود دارد؟
 الف) مسئول پذیرش با سرپرست تماس می‌گیرد.
 ب) تخت شکسته‌ای در اتاق اول

سوال ۷۹ رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ حَتَّى تَكُونَ جُمْلَةً صَحِيحَةً:

عليها/ من هو/ عفواً/ تنظيف/ والحفاظ/ الغرفة/ مسؤول/؟

پاسخ: عفواً من هو مسؤول تنظيف الغرفة والحفاظ عليها؟
 ببخشید، چه کسی مسئول نظافت و محافظت از اتاق‌هاست؟

سوال ۸۰ اقرا النص التالي ثم اجب عن الاسئلة.

الظلم ثلاثة: الظلم ثلاثة: فَظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ بِاللَّهِ فَالشَّرْكُ. قال الله تعالى " إِنَّ الشَّرْكَ أَظْلَمُ عَظِيمٌ ". وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ. وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا

أ. ائى ظلم يغفره الله؟

ب. ماذا قال الله عن الشرك؟

پاسخ: ترجمه متن ← ظلم ۳ نوع است ← ظلمی که خدا نمی‌بخشد، ظلمی که می‌بخشد و ظلمی که آن را ترک نمی‌کند. و اما ظلمی که خداوند نمی‌بخشد، شرک است. خداوند تعالی گفت: "قطعاً شرک ظلم عظیمی است". و اما ظلمی که خداوند آن را ترک نمی‌کند، ظلم بندگان به یکدیگر است

أ) خدا چه ظلمی را می‌تواند ببخشد؟ ظُلمُ العبادِ أَنْفُسَهُمْ فی ما بَيْنَهُمْ و بین رَبِّهِمْ.

ب) خداوند در مورد شرک چه فرمود؟ " إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ".

سوال ۸۱ انتخاب الصحیحه و غیرالصحیحه حسب الواقع.

- أ. الدلفین قادر ان بیقی بین ربع الی نصف ساعة دون تنفس تحت الماء. ○
- ب. الشاطی منطقة بریة بجوار البحار و المحيطات. ○
- ج. یؤدی سمک القرش دوراً مهماً فی الحرب و السلم. ○
- د. الموسوعة معجم صغیر جداً یجمع قلیلا من العلوم. ○

پاسخ: أ) دلفین قادر است که بین یک ربع تا نیم ساعت بدون تنفس زیر آب باقی بماند. ✓
 ب) ساحل منطقه‌ای است خشکی مجاور دریاها و اقیانوس‌ها. ✓
 ج) کوسه ماهی‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند. ✓
 د) فرهنگ لغت، لغت‌نامه‌ای بسیار کوچک است که علوم کمی را جمع‌آوری می‌کند. ×

سوال ۸۲ عین الكلمة التي لا تناسب الكلمات الاخری.

السمک	الشاطی	القرش	الدلفین
التیاری	المحیط	النهر	البحر

پاسخ: أ) الشاطی (ب) التیاری

أ) دلفین کوسه رودخانه

ب) دریا ماهی جاری اقیانوس

سوال ۸۳ ترجم الكلمات التي تحتها خط.

• شاهدنا فلما رائعاً عن دلفین أنقذ انساناً.

• اعتذر منك سأصلُ بالمشرف.

پاسخ: • جالب - نجات داد
 • مقامی خواهم گرفت - سرپرست

سوال ۸۴ عین المحمل الاعرابی للكلمات التي تحتها خط.

أ. لسانُ المقصر قصيرٌ.

ب. لا يدخل الجنة قاطعُ الرحم.

ج. وانضرنَا على القوم الكافرين.

پاسخ: أ) مبتدا - خبر (ب) مفعول - فاعل (ج) مفعول - مضاف اليه

درس هشتم

شناسنامه سؤالات: دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی مستقر در استان فارس - طرح شده در استان لرستان

سوال ۸۵ ترجم الكلمات التی تحتها بالخط بالفارسیة المألوفة.

أ) سل المصانع ركباً ب. و إن شكوتُ الى الطير ج. إن شممتُ رفاتی

پاسخ: الف) سواران ب) شکایت کردم ج) بوییدم

سوال ۸۶ عین الكلمة التی لا تناسب الكلمات الاخری.

الف) القرآن ب) الاحاديث ج) الادعية د) عين الحياة
الف) الشريعة ب) شحن ج) البطاقة د) رجاء

پاسخ: عين الحياة / رجاء
الف) قرآن حديثها دعاها چشم زندگی
ب). سیم کارت شارژ کارت لطفا

سوال ۸۷ اكتب المترادفة و المتضاد و المفرد في الكلمات التالية.

الف) عادة (مفرد) ب) المترادفة (سل) ج) المتضاد (الليل)

پاسخ: الف) عدو ب) إسأل ج) النهار

سوال ۸۸ ترجم العبارات بالفارسیة.

الف) پرسیدم از طبیی احوال دوست گفتم
ب). و صفتُ كل مליح كما تحبّ و ترضی
ج) قد استفادَ من اللغة العربية، الشعراء الايرانيون و أنشدَ ابیاتاً ممزوجة بالعربية و الفارسیة.
د) أخاف منك أرجو و استغیثُ و أدنو
و) مضی الزمان و قلبی يقوب إنك آتی.

فی بعدها غذابٌ فی قریبها السلامة
محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی
که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی

پاسخ: الف) در دوری دوست عذاب و در نزدیکی اش صلح و صفاست.

ب) هر دفعه، بانمک و دوست داشتنی توصیفش کردم آنچنانکه تو دوست می‌داری و راضی می‌شوی.

ج) قطعا شعرای ایرانی از زبان عربی استفاده کرده‌اند و بعضی از آن‌ها، بیت‌هایی که زبان عربی و فارسی ممزوج و مخلوط هستند، سروده‌اند.

د) از تو می‌ترسم و امید دارم و طلب کمک می‌کنم و یاری می‌جویم.

و) زمان گذشت و قلب من می‌گوید به درستی که تو می‌آیی.

سوال ۸۹ عین الصحيح فی الترجمة. «السکوت ذهبٌ و الکلام فضةٌ»

أ) سکوت رفتنی است و سخن فیض بردنی است

ب) سکوت طلا است و سخن گفتن نقره است

پاسخ: ب

سوال ۹۰ اکمل الترجمة:

(أ) و أمرهم شوری بینهم. (و میان آنها به صورت مشورت است)
 (ب). فمّن عفا و اصلح فأجره علی الله. (پس در گذرد و اصلاح کند پاداش او بر عهدهی خداست)

پاسخ: (أ) کارهایشان (ب) هرکس

سوال ۹۱ ترجم الأفعال فی الجملات التالية.

(الف) لا يعلم من فی السماوات و الأرض
 (ب) من قال أنا عالم فهو جاهل
 (ج) أعطنی شریحة الجوّال و لا تذهب هناك.

پاسخ: ۱- لا يعلم: مضارع منفي: نمی‌داند
 ۲- قال: ماضی: گفت
 ۳- أعطنی: امر: به من بده
 ۴- لا تذهب: نهی: نرو

سوال ۹۲ أجب:

الف) أكتب اسم الفاعل، اسم المفعول و اسم المبالغة ثم ترجم الكلمات.

۱- سامع الدعاء ترجمه:
 ۳- محمود ترجمه:
 ۲- محسنين ترجمه:
 ۴- غافر الخطايا ترجمه:

(ب) عین الصحيح و الخطا.

۱- الفهامة اسم الفاعل من (فَهِمَ) به معنى: بسیار فهمیده صحیح
 ۲- المتعلّم اسم الفاعل من (تَعَلَّمَ) به معنى یادگیرنده صحیح
 خطا خطا

(ج) ما هو اسم الفاعل من يشاهد:

الف: مُشاهدة ب: مُشاهد ج: مُشاهد د: مُشاهد

(د) عین اسم الفاعل، المفعول، فی الجملتين و اذكر حروفها الأصلية.

یا صانع کل مصنوع یا خالق کل مخلوق.

پاسخ: الف) ۱) اسم فاعل: شنونده دعا

۳) اسم فاعل: نیکوکاران

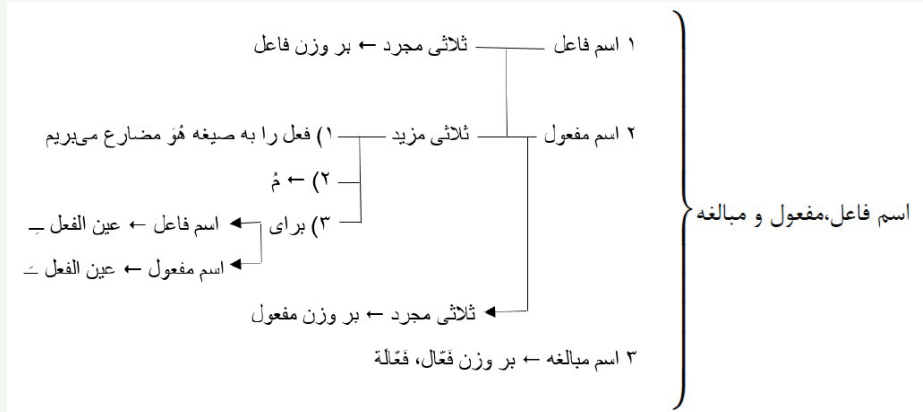
ب) ۱- خطا ۲- صحیح

ج) مُشاهد

د) «صانع: اسم فاعل (ص ن ع)» «مصنوع: اسم مفعول (ص ن ع)»

«خالق: اسم فاعل (خ ل ق)» «مخلوق: اسم مفعول (خ ل ق)»

توجه: برای مشخص کردن اسم فاعل و مفعول از هر کدام یک مورد کافیست. هر کدام با ذکر حروف اصلی اسم فاعل، مفعول و مبالغه



فَهَامَة = اسم مبالغه

سوال ۹۳ عین الافعال (الماضی - المضارع - الأمر - النهی و ...) فی الجملات.

أخى قانغ يرضى بطعام قليل. إذهب عند موظف الإتصالات.

پاسخ: الف) يرضى (مضارع) ب) إذهب (امر)

سوال ۹۴ أقرأ النص التالى ثم أجب عن الأسئلة.

إِنَّ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ لُغَةُ القُرْآنِ وَ الأحاديثِ وَ الأدعيةِ فَقد استَفَادَ مِنْهَا الشُّعراءُ الإِيرانِيُّونَ وَ أَنشَدَ بَعْضُهُمَ آبياتاً مَمزوجةً بِالعَرَبِيَّةِ سَمَّوْها بِالْمَلْمَعِ. لِكثيرٍ مِنَ الشُّعراءِ الإِيرانِيِّينَ مَلْمَعاتٌ

الف) ما هو الملمع؟ ب) ما هو معنى الكلمتين (أنشد، سمّو) فى النص؟

ج) ما هي اعراب الكلمتين (استفاد - بالعربية)؟

د) ما هو مفرد الكلمتين (الأحاديث و الأدعية) مُستعيناً بالنص؟



پاسخ: الف) ابیات ممزوجة بالعربية و الفارسية

ب) سرود - نامید

ج) فعل ماضی - جار و مجرور

د) حدیث - دعا

ترجمه متن ← زبان عربی، زبان قرآن و احادیث است و شاعران ایرانی از آن بهره می‌بردند و برخی از آن‌ها

ابیات مختلط می‌سرودند. در عربی و فارسی را "ملمع" می‌نامند

بسیاری از شاعران ایرانی ملمعات دارند.

الف) ملمع چیست؟ ابیات مختلط عربی و فارسی

ب). معنی کلمه‌های (أُنشَدَ، سَمَو) در متن چیست؟ أنشَدَ = سرود / سَمَو = نامید

ج) تحلیل دستوری دو کلمه (استفادَ - بالعربية) چیست؟ فعل ماضی - جارو مجرور

د) مفرد در کلمه (أحادیث و ادعیه) با استفاده از متن چیست؟ حدیث - دعا

سوال ۹۵ عین المحل الإعرابی للكلمات المعنية.

الجليس الصالح خيرٌ من الوحدة و الوحدة خيرٌ من جليس السوء.

پاسخ: خیر: خبر و مرفوع السوء: مضاف الیه و مجرور

فراموش نکنید که ترجمه می‌تواند به تشخیص نقش‌های دستوری کمک کند و بالعکس!

همنشین صالح بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد است.

سوال ۹۶ عین الجواب الصحيح.

۱- هل تریدی بطاقة الشحن؟

الف) نعم، من فضلك أعطني رصيد.

ب) نعم، اريد بطاقة الشحن.

۲- سامحيني، أنت على الحق، أبدل لك الطاقة.

الف) مرا ببخش حق با اوست باتری را برایت جابجا می‌کنم.

ب) مرا ببخش حق با توست، کارت را برای تو عوض می‌کنم.

پاسخ: أ) ب

ب) ب

۱- آیا کارت شارژ می‌خواهی؟

الف) بله، لطفاً به من اعتبار بدهید

ب) بله، کارت شارژ می‌خواهم ✓

نکته ← تفاوت "رصيد" و "شحن" ← رصيد = مقداری که سیمکارت شارژ دارد، اعتبار

شحن = کارت شارژ سیمکارت

۲) مرا ببخش، حق با توست، کارت را برای تو عوض می‌کنم

سوال ۹۷ اُكتب اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة:

اسم مفعول

اسم فاعل

فعل

عَلِمَ:

حَمَلَ:

پاسخ: عَلِمَ: عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ / عَلِمَ
حَمَلَ: حَامِلٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ / حَامِلَةٌ

سوال ۹۸ عین الجواب الصحيح:

- (الف) الماضي من «يُصَاحِبُ»: صَاحَبٌ / صَحَبَ / تصاحَبَ / تصاحَبَ
(ب) المضارع من «فَرَّقَ»: يُفَرِّقُ / يُفَرِّقُ / يفارقُ / يفارقُ
(ج) الأمر من «تَعَبَّدُ»: تَعَبَّدَ / عَبَّدَ / أُعَبِّدُ / أُعَبِّدُ
(د) النهي من «تُكَلِّمُونَ»: لا تُكَلِّمُوا / لا تُكَلِّمُوا / لا تُكَلِّمُوا / لا تُكَلِّمُوا

پاسخ: الف) صاحب (ب) يفرق (ج) اعبد (د) لا تكلموا
الف) يُصَاحِبُ بر وزن يفاعلُ از باب مُفاعلة (فاعِلٌ، يُفَاعِلُ، فاعِلٌ، مُفاعلة)
ب) فَرَّقَ بر وزن فَعَّلَ، از باب تفعيل (فَعَّلَ، يُفَعِّلُ، فَعَّلَ، تفعيل)
ج) تَعَبَّدُ، مزيد نيست و فعلى مجرد است پس ← ۱- حرف مضارعه را برمی‌داريم ۲- فعل را مجذوم می‌کنيم
۳- سپس ابتداری فعل حمزه گذاشته ۴- عين الفعل ُ دارد پس حمزه هم ُ می‌گيرد
د) ۱- فعل را مجذوم می‌کنيم ۲- ابتدای فعل "لا" می‌گذاريم

سوال ۹۹ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَيْنِ زَائِدَتَيْنِ) (وُدٌّ - فَتَشٌ - يَرْضَى) أَخِي قَانِعٌ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

پاسخ: يَرْضَى
معنی کلمات = (عشق، بازرسی کرد، راضی می‌شود)
برادرم قانع است، با غذای کم راضی می‌شود.

سوال ۱۰۰ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَيْنِ زَائِدَتَيْنِ) (وُدٌّ - فَتَشٌ - يَرْضَى) الشَّرْطَى حَقَائِبَ الْمَسَافِرِينَ.

پاسخ: فَتَشٌ
معنی کلمات = (عشق، بازرسی کرد، راضی می‌شود)
پلیس، کیف‌های مسافران را بازرسی کرد.